

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۳
جمعه ۱۰ دی ۱۴۰۰ - ۳۱ دسامبر ۲۰۲۱

معلمان و جنبش شورایی

شهلا دانشفر

جنبش شورایی بعنوان جنبشی برای دخالتگری توده ای، در سالهای اخیر در میان معلمان و کارگران و بازنشستگان پا گرفته و دارد بتدریج نضج و تکامل پیدا میکند و عملاً پاسخ به ناباوران را جلوی چشم آنها میگذارد. این جنبش هنوز در مراحل اولیه رشد خود قرار دارد و امکان ابراز وجود همه جانبه را نیافته است، اما روندی رو به پیش را طی میکند. یک نمونه آن شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان است. شورایی هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، شورایی نمایندگان منتخب تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف در سطح سراسری است. این را از زبان خود این شورا هنگامیکه وزیر آموزش و پرورش با همکاری مدیران کل آموزش و پرورش جلسه ای از بالای سر معلمان و بقول خودشان جلسه مذاکره با معلمان را تدارک دیده بودند، شنیدیم. از جمله عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون فرهنگیان استان گیلان نشست های اخیر را گفتگویی فرمایشی با افراد و گروه هایی که مرجعیتی در اعتراضات و تجمعات اخیر را نداشته اند خواند و از این که تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور مجمع عمومی برگزار کرده و هیات مدیره های انتخابی را بوجود آورده اند و این هیات ها امروز در شورای هماهنگی به نمایندگی از تشکل خود دارند و مرجع اعتراضات اخیر هستند خبر داد. همچنین اسکندر لطفی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در برابر این اقدام مهندسی شده وزارت آموزش و پرورش نوشت: " در مذاکره باید نماینده کانون ها و انجمن های صنفی حضور داشته باشند و در استان هایی که تشکل صنفی وجود ندارد باید فعالان صنفی و ادمین های گروه های صنفی استانی دعوت شوند. اعتراضات صنفی معلمان نشان داد که امروز معلمان مرجعیت و رهبری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران را پذیرفته اند و نمایندگان شورا و افراد مورد اعتماد شورا می توانند مطالبات را منعکس نمایند." او در ادامه این سخنان چنین گفت: " همه می دانند فراخوان این اعتراضات توسط شورا داده می شود و کانون ها و انجمن های صنفی فرهنگیان با کمک فعالان صنفی و ادمین های گروه های صنفی در استان ها آن را اجرا می کنند. پس باید جایگاه تشکل ها محترم شمرده شود و معنا ندارد که در استانی مانند گیلان از کانون برای گفتگو دعوت نشود."



قلب ایرج فرجاد عزیز از حرکت باز ایستاد!
ایرج نماد بارزی از صداقت،
صمیمیت، فداکاری و انسانیت بود.

در این شماره انترناسیونال:

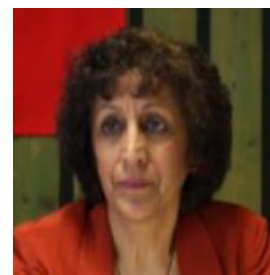
شماره صفحه:

- | | |
|-------------|--|
| ۲ و ۱ | معلمان و جنبش شورایی. شهلا دانشفر |
| ۵ و ۴، ۳ | اوضاع جهان ۳۰ سال پس از سقوط شوروی. مصاحبه با حمید تقوایی |
| ۶ | ۱۸ دی، سالروز فجیع ترین جنایت قرن بیست و یکم. کاظم نیکخواه |
| ۱۱ تا ۷ | در مورد برآمد ضد مذهبی در جامعه. گفتگو با اصغر کریمی |
| ۱۱ | حکومت عزا و غم سرنگون. نگین پارسا |
| ۱۶ تا ۱۲ | ویژه ایرج فرجاد عزیز |
| ۱۸ و ۱۷ | از مدیای اجتماعی حزب |
| ۲۱ و ۲۰، ۱۹ | اطلاعیه های حزب |

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



شهلا دانشفر

این گفته‌ها موقعیت و جایگاه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را به روشنی بیان میکند. به عبارتی روشنتر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بستر مدیای اجتماعی و گروههای هزاران نفره معلمان و در کوران مبارزات چندین ساله آنها قوام یافته و امروز به یک تشکل قدرتمند توده ای تبدیل شده است. این شورا همین امروز نیز با اتکاء به ارتباط هر روزه و جاری با بدنه وسیع معلمان که عملاً نقش مجمع عمومی وسیع و سراسری را پیدا کرده تصمیم گیری جمعی میکند و به ظرف قدرتمند سازمانیابی توده ای مبارزات معلمان تبدیل شده است. شورا از این طریق تصمیمات خود را به اطلاع بدنه معلمان میرساند. بر سر تصمیمات به اجماع میرسد و بصورت جمعی برای اجرایی کردن تصمیمات برنامه ریزی میکند. تشکلهای مختلف معلمان نیز قدم به قدم همراهی خود را با نمایندگان منتخب خود در این شورا اعلام میکنند. بعدهم گزارش عملکرد تصمیمات جمعی و سازمانیافته علنا و اجتماعاً در مقابل انظار جامعه قرار میگیرد. بدینگونه است که معلمان در عمل موفق به داشتن یک تشکل توده ای دایر هر روزه و سراسری شده اند که قدرت آفرین است و نقش شگرف آنرا در اعتراضات گسترده آنان به روشنی میتوان دید.

به عبارت روشنتر با اتکاء به چنین ابعادی از سازمانیابی مبارزاتی است که معلمان امروز قادر به عکس العمل سریع در برابر تعرضات هستند. بعد از هر فراخوان اعتراضی ای در مدت زمان



دانش آموزان سنین بالاتر و خانواده های دانش آموزان را با اعتراضاتشان همراه کنند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نمونه دیگری از پیشروی های جنبش شورایی در سطح جامعه است. حرکت سریع معلمان بسوی شورایی عمل کردن در کنار تجربه نیشکر هفت تپه که با مبارزات شکوهمند خود آلترناتیو اداره شورایی را مقابل کل جامعه قرار داد و این پرچم را برافراشته نگاهداشت و نیز در کنار تجربه کارگران پروژه ای پیمانی نفت و ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران، ممکن بودن و در عین حال کارایی این شکل از سازمانیابی توده ای یعنی شوراها را به همگان نشان داد

اند. و اینها همه الگوهایی است که از تجربیاتش باید آموخت. این تجربیات را باید در همه جا تکثیر کرد و به کار گرفت.

همه شواهد نشانگر اینست که بخش های مختلف طبقه کارگر با خیز برداشتن بسوی ایجاد شوراها و سازمانیابی توده ای و سراسری علیه فئودالیسم، تبعیض و نابرابری، اختلاس ها و دزدی ها و برای رهایی از شر جهنم سرمایه داری جمهوری اسلامی خیز برداشته و نوید دهنده جامعه ای شاد و انسانی شده اند. این جامعه ای است که بطور واقعی در نبرد هر روزه اش دارد به جلو گام بر میدارد و زنجیرهای اسارت و حاکمیت مفتخوران سرمایه را کنار میزند.

۹ دی ۱۴۰۰ - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

وضع جهان ۳۰ سال پس از سقوط شوری این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: سی سال از سقوط شوروی میگذرد. در سی امین سالگرد سقوط شوروی شاهد مباحث، گفتارها و تفسیرهای بسیاری در مطبوعات، رادیو و تلویزیونها و دیگر رسانه ها در سراسر جهان و از جمله در رسانه های بین المللی فارسی زبان بوده ایم. به این مناسبت با حمید تقوایی هستیم و در این مورد پرسش هایمان را با او در میان میگذاریم.

چرا سی سال پس از سقوط شوروی این مساله تا این حد مورد توجه رسانه ها، تحلیلگران و مفسران قرار دارد؟

حمید تقوایی: بنظرم دلیل اصلی آن این است که در این سی سال دنیا کاملا به قهقرا رفته است. از هر نظر وضع بدتر شده، در نتیجه رسانه های هیئت حاکمه، تریبونهای طبقه سرمایه دار که بر جهان حکمفرماست، خودشان را ملزم می بینند که به نحوی از وضعیت موجود دفاع کنند. چون اثباتا نمیشود از این وضعیت دفاع کرد حمله میکنند به شوروی ای که سی سال پیش سقوط کرد. اگر واقعا دنیا به آنطرفی میرفت که اینها تصور میکردند نیازی نداشتند که یک مساله کهنه ۳۰ سال قبل را دوباره روی میز بگذارند. اینها همچنان "خطر" چپ را حس میکنند.

آرمانخواهی، انقلابات، اعتراضات، مبارزات همه جهان را فرا گرفته است. در قرن حاضر، در همین ۲۰ سال اخیر، ما شاهد خیزش ها و انقلابات متعددی در دنیا بودیم. نارضایتی ها فراوان است. کلا مسائل اقتصادی، ریاضت کشی، تعمیق و گسترش شکاف بین فقر و ثروت، مسئله پناهندگی و مهاجرت از جمله مسائل مزمن عصر ماست. فاجعه کرونا بیداد میکند. محیط زیست در خطر نابودی و کره ارض در حال فروپاشی است. خب جواب همه اینها چیست؟

مسئول این وضعیت چه کسی است؟ در دوره رقابت دو قطب بلوک شوروی و غرب، این به عهده آن و آن به گردن این میگذاشت. الان که دنیا یک قطبی است سرمایه داری بازار آزاد باید جوابگو باشد. و چون نمیتوانند از کارنامه خودشان دفاع کنند ناگزیرند همچنان به رژیم و حکومتی بتازند که ۳۰ سال پیش سقوط کرد.

بنظر من این یک نوع تعرض از سر ضعف و بن بست اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و حتی ایدئولوژیک سرمایه داری جهانی است. سرمایه داری بلامنازع و در شکل کلاسیک سرمایه داری بازار آزاد همه جا حاکم است و با این همه نه تنها از پاسخگوئی به حاد ترین مسائلی که کل بشریت و کره ارض با آن روبروست عاجز است بلکه خود موجد و علت اصلی این وضعیت است. بنظرم اساس مسئله اینست.

خلیل کیوان: حجم برنامه های رسانه های فارسی زبان هم در این خصوص کم نبود. بسیاری از رسانه های بین المللی فارسی به این مساله پرداختند. چرا تا این حد این رسانه به مساله سقوط شوروی توجه دارند؟

حمید تقوایی: دلایل این است که جمهوری اسلامی در حال سقوط است. میدانند که دوامی ندارد. درمانده است. بحرانهای همه جانبه ای گریبانش را گرفته است.

در سطح جهانی کاملا رسوا و بی آبرو شده. در منطقه همینطور و بخصوص در خود ایران مردم وسیعا به میدان آمده اند، و صریحا و علنا سرنگونی جمهوری اسلامی را فریاد میزنند. وضعیت ایران به یک معنی ویژه است. نظام و حکومتی دارد که در لبه پرتگاه قرار گرفته. دارد ساقط میشود. دارد فرو مییاشد، و این را همه از جمله مقامات خود حکومت، بروشنی میبینند.

در این شرایط رسانه های فارسی زبانی که معمولا سیاست های راست، سیاست های دولت های خودشان یا بالاخره احزاب حکومتی و بلوکهای جهانی را نمایندگی می کنند نگران وضعیت بعد از جمهوری اسلامی هستند. نگران قدرت گرفتن چپ هستند. همانطور که در انقلاب ۵۷ در مقابل چپ خمینی را بزرگ کردند الان هم به دست و پا افتاده اند که چپ را در انتظار مردم در افکار عمومی بکوبند، نقد کنند. از نظر اینها سی سالگی سقوط شوروی بهانه و فرصت مناسبی بدستشان داده که این تعرض را انجام بدهند.

ولی وضعیت سیاسی ایران طوری هست که این نوع تبلیغات دیگر کاربردی ندارد. الان حتی نیروهای اپوزیسیون راست دارند میگویند آینده ایران سوسیالیستی خواهد بود. دارند خودشان را کنار

کارگران هفت تپه قرار میدهند. میگویند آلترناتیو ما هفت تپه است. شعارهایی که مردم میدهند نیز اساسا علیه فقر، علیه بی حقوقی، علیه تبعیضات و مصائب طبقاتی است که کل جامعه را در بر گرفته.

همه اینها نشان میدهد که یک چپ قدرتمند اجتماعی در سطح میدانی و خیابانی عروج و قد راست کرده است و کل این سیستم را دارد به چالش میکشد. حزب ما هم یکی از نیروهای فعال و فاعلترین نیرو در این جنبش است. این را همه دارند میبینند.

به این دلایل است که این نوع تبلیغات در رسانه های راست فارسی زبان جای مهمی پیدا میکند. بشدت نگرانند که توده مردم با یک آرمان و هدف و یک جهتگیری عمومی برابری طلبانه، علیه شکاف عظیم بین فقر و ثروت و علیه کل نظام و نه فقط علیه جمهوری اسلامی، علیه تبعیض طبقاتی و کار مزدی و ریاضت کشی اقتصادی و غیره، به خیابان بیایند. این نگرانی هست که این رسانه ها را واداشته به بهانه سی امین سالگرد سقوط شوروی تبلیغات ضد کمونیستی براه بیندازند.

خلیل کیوان: آیا آن بخش از سرمایه داری ایران که به دنبال این هست که آلترناتیوی در مقابل جمهوری اسلامی

بسازد واقعا تصور میکند با پرداختن به تجربه شکست خورده شوروی در مقابله با تمایلات سوسیالیستی و حرکت سوسیالیستی در جامعه موفق میشود؟

حمید تقوایی: در این دوره هم، مانند مقطع سقوط شوروی، نیروهای راست سخت در اشتباهند. ببینید مساله بر سر ایدئولوژی ها نیست. مساله بر سر جنبش های واقعی و مسائل واقعی مردم است. مردم واقعا چه تجربه کرده اند؟ مردم دیده اند نظام موجود چطور فقر و بی حقوقی و سرکوب را به همه تحمیل کرده است و بخشهای مختلف جامعه، کارگران و زنان و جوانان و بازنشستگان و معلمان و غیره، مدتهاست علیه این شرایط به میدان آمده اند.

به نظر من طوفان و جنبش بنیان کنی شروع شده است که فقط به کنار زدن آخوندها بسنده نمیکند. مردم دارند مشت به آسمان میکوبند. نظام و جامعه ای میخواهند کاملا برابر و بری از هر نوع تبعیض. جامعه ای کاملا انسانی، با رفاه، با آزادیهای وسیع و بی قید و شرط، با برابری و علیه هر نوع تبعیض، تبعیض مذهبی، تبعیض جنسیتی، تبعیض قومی و ملی و غیره و غیره که در جمهوری اسلامی بیداد میکند. مردم این را میخواهند. من همیشه گفته ام جمهوری اسلامی هارترین، عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین حکومت سرمایه داری در ایران و در جهان معاصر است. به همین خاطر در مقابل خودش یک جامعه، یک جنبش، یک حرکت عظیم اجتماعی را به میدان آورده که خواهان بیشترین آزادیها، بیشترین سطح تمدن، مدرنیسم و بیشترین دستاوردهای پیشرو بشری است. به این معنی جامعه ایران با انتظارات و توقعات انسانی بالایی قدم به

ادامه از صفحه ۳

مبارزه گذاشته است. نفس همین اجازه میدهد که چپ، کمونیسم، سوسیالیسم، نوع کمونیسم و سوسیالیسمی که ما نمایندگی میکنیم، نه آنی که در شوروی شکست خورد، بتواند زمینه داشته باشد، از نظر اجتماعی بتواند یک آینده سوسیالیستی را برای جامعه ایران به ارمغان بیاورد.

آینده ایران سوسیالیستی است. این واقعیت چنان آشکار است که حتی نیروهای راست اذعان میکنند. من در این تردیدی ندارم که جامعه ایران بطرف یک جامعه آزاد، مرفه و انسانی و سوسیالیستی در حرکت است.

خلیل کیوان: شوروی اولین تجربه انقلاب سوسیالیستی در جهان بود. آیا بنظر شما شوروی یک نظام سوسیالیستی بود؟

حمید تقوایی: به هیچوجه اینطور نبود. اینرا حتی کارشناسان و اقتصاددانان و صاحبانظران جهان غرب هم میدانستند. اینکه در تبلیغات و پروپاگاندا رو به افکارعمومی، شوروی را مدام سوسیالیستی و کمونیستی مینامند صرفا عملی تبلیغاتی است. بطور واقعی آکادمیسین ها و محققین شان میدانند که نظام شوروی ربطی به سوسیالیسم نداشت. همانطور که چین امروز را هیچ کسی پیدا نمیشود، هیچ آدم جدی ای، متفکر جدی ای، پیدا نمیشود نظامی کمونیستی بداند. این را فقط در تبلیغات پوچ و توخالی راست افراطی میتوان دید.

در مورد شوری هم همینطور بود. بنظر ما چیزی که در شوروی شکست خورد یک نظام سرمایه داری دولتی بود. و اتفاقا بحران آن، اگر بخواهیم عمیق شویم، از اینجا ناشی میشود که یک نظام سرمایه داری را میخواستند تحت نام کمونیسم و تحت نام سوسیالیسم نگه دارند. این ممکن نبود. این تناقض باید از یک طرف می شکست. یا باید بنفع سوسیالیسم حل میشد

یا بنفع سرمایه داری عربان. سرانجام این تناقض اینطور به فرجام رسید که نظام سرمایه داری دولتی در شوروی ظاهر و پوسته سوسیالیستی را کنار زد و رسما به سرمایه داری بازار آزاد پیوست. این تحول از داخل خود شوروی شروع شد. اینطور نبود که در جنگ سرد بلوک غرب بلوک شوروی را شکست داد. شوری روی تناقضات خودش خرد شد و این تناقض در پایه ای ترین سطح تناقضی بود بین ادعای سوسیالیستی و واقعیت کاپیتالیستی نظام شوروی.

تجربه شوروی در واقع عکس آن چه رسانه های مدافع سرمایه داری میگویند را نشان میدهد. این تجربه نشان نمیدهد سوسیالیسم به نتیجه نرسد. بر عکس، بحران و سقوط شوروی نشان داد که نمیشود سرمایه داری را تحت نام سوسیالیسم به مردم تحمیل کرد. اگر شوروی موفق شده بود سرمایه داری را جارو کند نه تنها به بحرانی دچار نمیشد بلکه نمونه و الگویی برای همه دنیا میشد. که متاسفانه این اتفاق نیفتاد و همانطور که گفتم بالاخره این تناقض در شوروی به نفع سلطه کامل سرمایه داری بازار آزاد حل شد.

خلیل کیوان: در آستانه سقوط شوری و سالها پس از آن هلهله ای در دنیا براه افتاد. مفسران، تحلیلگران و ایدئولوگ های سرمایه داری از نظم نوین جهانی و پیروزی دموکراسی و بهتر شدن وضع جهان سخن میگفتند، جهان بهتری را نوید میدادند، آیا چنین شد؟ جهان امروز با دوران جنگ سرد چه تفاوتی دارد؟

حمید تقوایی: نه تنها بهتر نیست بلکه به مراتب بدتر است. شما به بعضی ادعاهای اینان اشاره کردید. یک نکته که متفکرین و صاحبانظران در مقطع سقوط شوری ادعا میکردند این بود که مبارزه طبقاتی به پایان رسیده است! میگفتند قرار است صلح و صفا و امنیت همه جا در بر بگیرد و زیر نگی

انگشتی نظم نوین جهانی و سرمایه داری بازار آزاد همه جا گلستان بشود. نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه شدیدترین و وحشیانه ترین جنگهای قومی مذهبی از همان مقطع شروع شد. اگر بخاطر داشته باشید در یوگسلاوی سابق جنگ همسایه کشی براه افتاد. در شمال آفریقا همینطور و بعد در خاورمیانه و بعد در همه جهان.

خلیل کیوان: در جمهوری های سابق شوروی هم.

حمید تقوایی: بله در ایالت های شوروی سابق هم وحشیانه ترین جنگ ها در گرفت.

در جنگ سرد بالاخره دو قطب اصلی در برابر هم بودند. قطب بلوک شرق و قطب بلوک غرب. اینها بنحوی یکدیگر را کنترل میکردند. سرمایه داری بلوک شرق که خودش را کمپ سوسیالیسم مینامید در مقابل سرمایه داری بازار آزاد که عنوان کمپ دموکراسی را یدک میکشید، قرار میگرفت. اینها کشمکش داشتند. کودتا میکردند. ضد کودتا میکردند. اگر جایی انقلابی میشد یکی از آن حمایت میکرد و آن یکی پشت ارتجاع حاکم را میگرفت. ولی بعد از اینکه قطب شوروی از میان برخاست معلوم شد اگر دنیا را بدهید بدست سرمایه داری کمپ غرب دنیا را به چه لجنی میکشد. چه منجلاهی ایجاد میکند. همه اینرا با چشم خود دیدند. به همین خاطر چند سالی بیشتر نگذشت که تمام آن هیاهوی دنیا گلستان میشود و گویا باعث همه بدبختی های دنیا بلوک شوروی بود و بدون بلوک شرق بشریت به آزادی میرسد و غیره تمام شد و به عکس خودش تبدیل شد. مردم دیدند چه دنیای سیاهتر، کثیف تر و ضد انسانی تری را اینها به ارمغان آوردند.

یک تفاوت این دوره با دوره جنگ سرد این است که دیگر مسئول این وضعیت تماما و مستقیما کمپ غرب است.

قبل از آن هر جا دیکتاتوری بود اینها همدیگر را نشان میدادند. می گفتند هر جا دیکتاتوری است تحت سلطه شوروی است دیکتاتوری است، مثلا چکسلواکی که در آنجا کودتا و ضد کودتا شد. از آنطرف هم کمپ شرق میگفت هر جا دیکتاتوری هست، مثل آمریکای لاتین، تقصیر کمپ غرب است. وقتی کمپ غرب دست بالا پیدا کرد دیگر این کشمکش و بهانه ها و توجیهات و تبلیغات هم از بین رفت و در نتیجه به اصطلاح شاهزاده عربان شد. معلوم شد مسئول همه بدبختی ها سرمایه داری است. آن هم سرمایه داری در شکل کلاسیک و بلامنازع سرمایه داری بازار آزاد.

در سی ساله اخیر فاتحین جنگ سرد، جنگ های خونین زیادی- بطور مستقیم و یا نیابتی- براه انداختند و به انواع نیروهای قومی مذهبی از جمله به جنبش هار اسلام سیاسی زمینه و میدان دادند. آوردند. در افغانستان، در ایران و در جاهای دیگر دنیا. و الان میبینیم که جنبش اسلام سیاسی چه وضعیتی را در دنیا ایجاد کرده است. و از آنطرف هم سیل مهاجرت ها از مناطق جنگ زده شروع شد. دلیل این سیل مهاجرت هم باز جنگ های خانگی و محلی و منطقه ای هست. از سوی دیگر پاندمی و موج های دوم و سوم و چهارم آن، که ظاهرا حالا حالا تمام شدنی نیست، به یک فاجعه اجتماعی تبدیل شده است. عامل این بیماری یک ویروس است ولی بحران جهانی کرونا امری کاملا سیاسی اجتماعی است. این محصول "نظم نوین جهانی" است. یک بیماری که کاملا قابل پیشبینی و قابل پیشگیری بود را نتوانستند کنترل کنند نه تنها نتوانستند کنترل کنند بلکه وقتی هم هشدارهایی به آنها داده میشد، از پنج شش سال پیش و قبل از اینکه کرونا دنیا را فرا بگیرد، از این گوش میشنیدند و از آن گوش در میکردند بخاطر اینکه با سودآوری شان در تناقض بود.

بلائی را بسر دنیا آوردند که هیچکس نمیداند کی تمام میشود و یا حتی کی تخفیف پیدا میکند.

مساله محیط زیست هم همین است. سمینار و کنفرانس بعد از کنفرانس و گرد هم آیی و غیره تشکیل میدهند اما همچنان محیط زیست مساله اش حادثر میشود. سرمایه داری کره زمین را به طرف نابودی میبرد و هر روز این روند سریعتر و گسترده تر میشود.

این کارنامه سی ساله دنیا زیر نگی انگشتی "نظم نوین جهانی" است. این وضعیتی است که برای دنیا ایجاد کردند. به همین خاطر هم هست که همچنانکه ابتدا گفتم اینها خود را ناگزیر می بینند سه دهه پس از سقوط شوروی همچنان بر طبل شکست کمونیسم به عنوان نماد هر نوع برابری طلبی، هر نوع آزادیخواهی، هر نوع آرمان انسانی بکوبند.

ناگزیرند کمونیسم را بکوبند تا بتوانند این جهان به لجن کشیده شده را بنحوی توجیه کنند. بنظر تنها راه نجات بشریت عصر ما عروج سوسیالیسم است. عروج جنبش های سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و احزابی از نوع کمونیسم کارگری که واقعا محور فعالیتشان آزادی، رفاه و برابری همه انسانها باشد. این تنها راهی است که در مقابل جهان ما قرار گرفته است.

خلیل کیوان: در مورد پیامدهای سقوط شوروی بر اوضاع جهان صحبت کردید. چه پیامدها و تاثیراتی بر جنبش کمونیستی و سوسیالیستی گذاشت. این جنبش ها بعد از سقوط شوروی در چه موقعیتی قرار گرفتند؟

حمید تقوایی: از دو جهت که ظاهرا متناقض هم هستند تاثیر گذاشت. یکی اینکه شوروی هر چه بود بالاخره تحت نام

ادامه از صفحه ۴

کمونیسم و سوسیالیسم جامعه را اداره میکرد. شوروی و بلوکش ادعاهای سوسیالیستی داشتند. به همین خاطر شکست شوروی به یک معنی یک ضربه ای بود به آرمان سوسیالیستی. و بورژوازی جهانی همانطور که گفتیم بیشترین استفاده را کرد برای اینکه این را به پای آرمانخواهی، برابری طلبی، آزادیخواهی کمونیسم واقعی بنویسد و بگوید سوسیالیسم همین بود که شوروی بود. شکست خورد و دیگر تمام شد.

وقتی گفتند پایان مبارزه طبقاتی منظورشان این بود که دیگر چپ، سوسیالیسم، کمونیسم، مارکسیسم جایی در این دنیا ندارد. تمام شده. کنار گذاشته شده. از این نقطه نظر ضربه ای بود. آرمانهای واقعی، کمونیسم واقعی را هم با اشاره به شوروی محکوم میکردند. و اعلام می کردند سرمایه داری ابدی ازلی است و راه دیگر وجود ندارد. از این نقطه نظر فروپاشی "سوسیالیسم موجود" ضربه ای به جنبش کمونیستی بود.

از یک نظر اما سقوط شوروی امری مثبت بود. به این معنی که آن نمونه توخالی و پوچ سرمایه داری دولتی که به اسم سوسیالیسم حکومت میکرد پرونده اش بسته شد. دیگر کسی که به خودش کمونیست میگفت به کسی بدهکار نبود. دیگر کسی مدیون و وامدار این نبود که توضیح بدهد چرا شوروی ربطی به کمونیسم ندارد و کمونیسم من کمونیسم دیگری است.

های و هوی تبلیغاتی که گفتیم دو سه سالی بیشتر طول نکشید. و بعد زمینه کاملا فراهم شد که کمونیسم واقعی، کمونیسم کارگری سر بلند کند. کما اینکه حزب کمونیست کارگری در همان مقطع سقوط بلوک شرق تشکیل شد و امروز میبینیم که یک نیروی بسیار تعیین کننده ای هست در شرایط سیاسی جامعه ایران. نیروئی که در سطح جهان

نیز با پرچمی که در سطح دنیا بلند کرده، مثلا علیه اسلام سیاسی، علیه نسبییت فرهنگی که میتوان گفت ایدئولوژی نظم نوین جهانی است، علیه ارتجاع در دنیا و در منطقه، قد علم کرده است.

این نوع کمونیسم، کمونیسم کارگری، بخاطر اینکه کمونیسم نوع شوروی کاملا از تاریخ جارو شد و کنار زده شد، زمینه پیدا کرد که به دنیا معرفی کند که کمونیسم واقعی چه هست. و این در جامعه ایران که مرکز و حیطه فعالیت حزب کمونیست کارگری است میبینیم که از نظر اجتماعی چطور جواب مثبت گرفته. چطور مردم دارند یک نوع کمونیسم دیگری را میشناسند، متوجه تفاوت های واقعی این کمونیسم با کمونیسم سرمایه داری دولتی نوع شوروی می شوند و به آن روی می آورند.

من فکر میکنم در تمام جهان چنین شرایطی هست و تمام جهانیان تشنه یک نوع کمونیسمی هستند که واقعا بتواند آزادی، برابری و رفاه را برای آنها به ارمغان بیاورد.

خلیل کیوان: چه درس هایی از تجربه شوروی میتوان آموخت؟

حمید تقوائی: درسهای زیادی میشود گرفت. اولین درس این است که ما باید توجه کنیم چه نوع جنبش های اجتماعی ای دست اندرکارند. مستقل از اینکه چه اسمی روی خودشان میگذارند بطور واقعی اهداف و موقعیت شان چیست.

این بحث را ما مدتها قبل از سقوط شوروی داشتیم که دلیل اینکه در روسیه سرمایه داری دولتی بجای سوسیالیسم حاکم شد این نبود که کسی از نظر فکری و عقیدتی اشتباهی کرد و یا آطور که میگویند روبریونیست شد و تجدید نظر کرد. اینها ظاهر قضیه است. بطور واقعی یک جنبشی در شوروی علیه تزارسم وجود داشت، جنبش صنعتی کردن روسیه. جنبشی که میخواست

روسیه - روسیه ته صف اروپای غربی بود - را تبدیل کند به یک قدرت اقتصادی مهم جهانی. یک جنبش ناسیونالیستی صنعتی گرا و عظمت طلب روس که آنهم خودش را چپ می دانست. شاخه منشویکی حزب سوسیال دموکرات روسیه این گرایش را نمایندگی میکرد؛ در کشمکش با بلشویسم یعنی شاخه سوسیالیستی حزب که واقعا می خواست کار مزدی و استثمار را برپا نهد. انقلاب را بلشویکها رهبری کردند ولی بعدا آن جنبش دیگر توانست نمایندگان فعالی داشته باشد، در حزب و حکومت دست بالا را پیدا کند و به این ترتیب افق صنعتی کردن روسیه حاکم شد. و موفق هم شد. روسیه از نظر صنعتی و از نظر نظامی به یکی از دو ابر قدرت جهان تبدیل شد. از این نظر پیروز شد ولی چیزی از جنبش سوسیالیستی باقی نماند. از آن اهدافی که بلشویکها مطرح می کردند چیزی باقی نماند. نه البته به این دلیل که استالین کمونیسم را بد فهمیده بود و روبریونیست شده بود و غیره. بحث ما این نیست. ما میگوییم استالین در واقع یک جنبش اجتماعی دیگری، جنبش صنعتی کردن روسیه را نمایندگی میکرد.

امروز نیز در مورد ایران آنچه اهمیت تعیین کننده ای دارد نمایندگی کردن و تقویت جنبش چپ، جنبش کمونیستی، جنبش برابری طلبانه ای است که اهداف انسانی اش را تحت الشعاع هیچ چیز قرار نمیدهد. استقلال، ضد آمریکائی گری، آنتی نئولیبرالیسم، صنعت گرائی، سربلندی ملی، عظمت طلبی و غیره اینها ربطی به کمونیسم ندارند و باید پیگیرانه نقد و افشا بشوند. کمونیسم جنبشی است که هدفش لغو برگی مزدی است. برابری میخواهد. هر نوع تبعیض را میخواهد بر بیندازد. آزادی میخواهد. رفاه میخواهد. کمونیسم کارگری از این جنبش سر بلند کرده است و به این جنبش متکی است.

درسی که ما از شوروی گرفته ایم این است که باید صف جنبش کمونیستی را از جنبشهای اجتماعی دیگر مستقل نگاه داشت. نکته اول این است که کمونیسم خود یک جنبش اجتماعی و سیاسی است، فقط توی کتابها و ایدئولوژیک نیست. کمونیسم فقط در احزاب و در عقاید نیز خلاصه نمیشود. بلکه حزب لازم است. تئوری لازم است. همه اینها سرچایش ولی پایه و بدنه و اساس کمونیسم یک حرکت اجتماعی اعتراضی هست علیه کاپیتالیسم و علیه استثمار. این پایه کمونیسم هست. جنبشی است علیه هر نوع نابرابری و نه فقط علیه نابرابری طبقاتی، بلکه همچنین علیه نابرابری جنسیتی، ملی و مذهبی که الان در ایران بیداد میکند. این جنبشی هست که حزب ما خودش را به آن متکی میکند. و قدرتمندی این جنبش بهترین تضمین هست برای اینکه تجربه دیگری مثل شوروی در ایران سوسیالیستی تکرار نشود.

ما مزیتی که داریم این است که سرمایه داری دولتی تحت نام کمونیسم را تجربه کرده

ایم. بلشویک ها این تجربه را نداشتند. جنبش کمونیستی هنوز جوان بود. امروز ما فرق سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم را بخوبی میدانیم. بر فرق بین کمونیسم کارگری و کمونیسم ملی - صنعتی گرا کاملا واقفیم. از همین امروز اجازه نمیدهیم اینها را بجای هم جا بزنند و باز مبارزه برای صنعتی شدن و استقلال و سربلندی ملی تحت نام کمونیسم بخواهد میدان پیدا کند.

به این معنی مهمترین درسی که ما گرفتیم این است که کمونیسم، جنبش اجتماعی کمونیستی، جنبش اجتماعی که پایگاه حزب ماست، برای اینکه بتواند به پیروزی برسد باید در سطح هر چه وسیعتری توقعات، چشم انداز، شعارها، اهداف مشخص خودش را تبدیل کند به توقعات و اهداف و شعارهای توده مردم. تنها در این صورت کمونیسم میتواند پیروز شود و واقعا یک جامعه سوسیالیستی مرفه و آزاد و برابر را در ایران پیاده کند.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

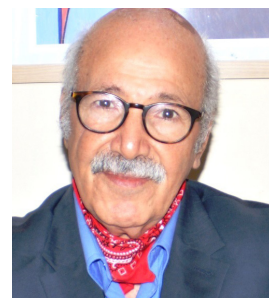
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org

۱۸ دی: سالروز فجیع ترین جنایت قرن بیست و یک



کازم نیکخواه

آن روز لعنتی دارد نزدیک میشود. ۸ ژانویه (۱۸ دی). همه میدانیم که دو سال پیش در هشت ژانویه سال ۲۰۲۰ در چنین روزی چه گذشت. ۱۷۶ مرد و زن و کودک در حالیکه با خیال راحت در هوایمای اوکراینی نشسته بودند و راهی ملاقات با عزیزان خود بودند از آسمان به پایین پرتاب شدند و لت و پار گردیدند. ای کاش میشد زمان را به عقب بازگرداند. ای کاش آن هوایما از زمین بلند نمیشد. ای کاش پایگاه لعنتی موشکی در نزدیکی فرودگاه مستقر نبود. ای کاش یک مشت آدم کش خبیث و ضد انسان بر این گوشه از دنیا مسلط نبودند. ای کاش... من هم مثل خیلی های دیگر بارها و بارها لحظه اصابت اولین موشک به هوایمای اوکراینی را پیش خودم مجسم کرده ام. هنوز هوایما در آسمان است. خودم را جای مسافران و سرنشینان هوایما میگذارم. چه حالی پیدا کردند؟ ۲۴ ثانیه بین شلیک اول و شلیک دوم فاصله است. ۲۴ ثانیه ای که به اندازه یک عمر طول میکشد. وحشت مرگ بر همه مسلط میشود. مادران و پدران و تک تک مسافران خود را اسیر در دایره مرگ می بینند و این طرف و آن طرف میدوند و بچه های وحشت زده را بغل میکنند و به هم با ترس نگاه میکنند و فریاد و آه و ناله سر میدهند... و کاری از دستشان بر نمی آید. یک جهنم واقعی. و بعد موشک دوم به فاصله ۲۴ ثانیه اصابت میکند و یک لحظه همه چیز تمام میشود.

در روی زمین گفتارها جشن میگیرند. فرمانده سپاه شیطانی و سران حکومت موفقیت خود در سرنگونی هوایمای مسافربری را به هم تبریک میگویند. نقشه کثیف شان از قبل این است که آنرا به گردن آمریکا بیندازند و نوحه خوانی و اوباش چرخانی و نمه من غریب در بیاورند و دستجات اوباش کفن پوش را به خیابانها بیاورند و فضای جامعه و ذهنیت دنیا را به نفع خود تغییر دهند. احمق های کله پوک و مرتجع آدمکش و بیرحم! فکر میکنند به همین سادگی است که بشود شلیک موشک به هوایمای مسافربری در روز روشن را در این دوره ماست مالی کرد. آنها خیلی زود متوجه اشتباه محاسبه خود میشوند و بعد از چند ساعت شور و مشورت اعلام میکنند که هوایمای اوکراینی در اثر نقص فنی سقوط کرده است.

اما خیلی زود کارشناسان کانادا، بریتانیا، آمریکا و استرالیا اعلام میکنند این هوایما بر اثر برخورد موشک زمین به هوا سقوط کرده است. جمهوری اسلامی بی درنگ با انتشار بیانیه ای هرگونه برخورد موشک را تکذیب کرد و آن را «عملیات روانی دولت آمریکا» عنوان کرد. در رسانه های رسمی و خبری در ایران نیز، «کارشناسان» و تحلیلگران حکومتی و عده ای تحت عنوان «متخصصان هوافضا»، احتمال شلیک موشک به هوایما را «یک شایعه، دروغ، شیادی آمریکا، جنگ روانی و سناریو سازی دروغین غرب توسط دشمنان، معاندین و ضدانقلاب برای دشمنی، به حاشیه بردن حمله به پادگان عین الاسد یا تلاش شرکت بوئینگ برای جلوگیری از سقوط سهام و سرپوشی بر روی مشکلات فنی هوایمای خود معرفی کردند و احتمال شلیک پدافند و همچنین سقوط هوایما با این شلیک را از

«لحاظ علمی» ارد کردند.

سه روز روی این پروپاگاندا کثیف و فرافکنی سفیهانه میمانند و در برابر فشارها شانه بالا می اندازند و به دیگران فحاشی میکنند که علیه «حکومت نجیب اسلامی» جنگ روانی راه انداخته اند!

بقیه داستان را همه دنیا میدانند. فوراً محل سقوط هوایما را با بولدوزر پاک میکنند. جعبه سپاه هوایما را تحویل نمی دهند و تلاش میکنند آنرا از کار بیندازند و.. بالاخره همه این تلاشها به جایی نمیرسد. و سخنگوی حکومت اسلامی بعد از سه روز اعتراف میکند که سقوط هوایما با شلیک موشک سپاه پاسداران صورت گرفته است. اما.. اما این رویداد «به دلیل خطای انسانی» صورت گرفته است. چندین روز هم روی خطای انسانی واقعا گند کاشتند. گفتند هوایما را با جت جنگی اشتباه گرفته بودیم! بعداً گفتند با موشک کروز آنرا اشتباه گرفتیم. بعدتر گفتند هوایما مسیرش را به نحو خطرناکی عوض کرده بود و به پایگاه موشکی نزدیک شده بود و خلاصه هر خزعبل و گند و کثافتی از دهانشان بیرون زد تا این جنایت عظیم را لاپوشانی کنند و.. نتوانستند. بعداً می دانیم که شش ماه روی جعبه سپاه هوایما کار کردند که اطلاعات آنرا نابود کنند و ظاهراً نتوانستند و ناچار شدند آنرا تحویل فرانسه بدهند.

اعتراضات دی ۹۸

در دومین سالروز به قتل رسیدن ۱۷۶ مسافران و سرنشینان هوایمای مسافربری اوکراینی، با قاطعیت اعلام میکنیم که از محاکمه عاملین و مسئولین این جنایت مطلقاً کوتاه نخواهیم آمد. ما مردم همراه با خانواده ها و بازماندگان داغ دیده قربانیان هوایمای

اوکراینی، تردیدی نداریم که میتوانیم جانیان را به پای میز محاکمه بکشانیم. تا کنون نیز فشارها برگرده حکومت بسیار سنگین بوده است و این را ادامه خواهیم داد. چنین جنایتی نمیتواند و نباید بدون مجازات عاملین و آمرینش به آرشو تاریخ سپرده شود. همه شواهد نشان میدهد که شلیک موشک به هوایمای مسافربری اوکراینی بر اساس یک تصمیم از قبل گرفته شده انجام شده است. همه شواهد حاکی از اینست که این جنایت فجیع و باورنکردنی با نقشه ای از پیش طراحی شده انجام شده است. دادگاه عالی انترپولی کانادا بعد از بررسی شواهد و فاکت های بسیاری روز ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ اعلام کرد که شلیک به هوایمای مسافربری اوکراینی عمدی بوده و سران سپاه و شخص خامنه ای را مسئول این جنایت دانست و محکوم کرد. کارشناسان زیادی در سطح دنیا این را تایید و تاکید کرده اند. خانواده ها و بازماندگان قربانیان و همه ما مردم اجازه نخواهیم داد که حکومت اسلامی از زیر بار این جنایت در برود. در همان دی ماه سال ۹۸ وقتی که بعد از سه روز دروغ پراکنی حکومت اعتراف کرد که هوایما با شلیک موشک سقوط کرده هزاران نفر از مردم خشمگین در شهرهای تهران، رشت، اصفهان، شیراز، ساری، همدان، کرمان، بابل و ارومیه با خشم به خیابان ها آمدند و فریاد مرگ بر سپاه و مرگ بر خامنه ای سر دادند. اعتراضات دی ماه ۹۸ بازتاب خشم عظیم همه مردم کشور علیه جانیان اسلامی بود. جمهوری اسلامی شمار بسیاری از معترضین را دستگیر کرد و دهها تن همچنان در زندانند. اما این دستگیریها و همچنین تهدیدات مکرر بازماندگان قربانیان این جنایت، کمکی به حکومت نکرده و نخواهد کرد.

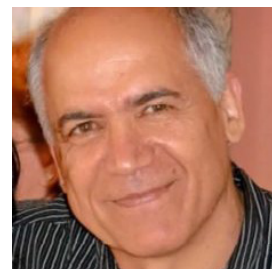
جالب است که در ماههای اخیر حکومت اسلامی ناچار شد حتی یک دادگاه نمایشی در رابطه با سرنگونی هوایمای مسافربری پرواز ۷۵۲ تشکیل دهد و ده دوازده نفری از افسران و درجه داران را در جایگاه اتهام نشاند. اما این دادگاه کذابی و پوشالی نیز بیش از آن که کمکی به حکومت بکند نشان دهنده اینست که فشار برگرده حکومت دارد بشدت سنگینی میکند و حکومت کثیف اسلامی مانده است که چگونه گریبان خود را از زیر این فشارها خلاص نماید. ویدئوها نشان میدهد که در برابر این دادگاه فرمایشی و مسخره شماری از خانواده ها با عکسهای عزیزانشان جمع شده اند و شعار میدهند «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر جنایتکاران»، «مرگ بر سپاه پاسداران»، «حقیقت عدالت»، «مرگ بر حاجی زاده»، «مرگ بر باقری»، «مرگ بر خامنه ای». این پاسخ همه ما مردم خشمگین به جانیان حاکم است.

ما اعلام میکنیم که خلاصی ای برای قاتلین عزیزان مردم در کار نخواهد بود. شما عزیزان مردم را بیرحمانه و با خونسردی و بدون هیچ بهانه و دلیلی از آنها گرفته اید و باید در برابر دنیا پاسخگو باشید و تا زمانی که عاملین واقعی و اصلی را تحویل دادگاههای بین المللی نداده اید جنگ و جدال و مبارزه ما ادامه خواهد یافت و گسترده تر خواهد شد. تردیدی در این نداشته باشید. قربانیان پرواز ۷۵۲ عزیزان همه مردمند و قاتلین باید در برابر مردم جوابگو باشند.

۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

در مورد برآمد ضد مذهبی در جامعه

گفتگو با اصغر کریمی پیرامون یکی از قرارهای مصوب کنگره دوازدهم حزب



اصغر کریمی

انترناسیونال: یکی از قرارهای مصوب کنگره دوازدهم حزب در مورد برآمد ضد مذهبی در جامعه بود که خود شما به کنگره ارائه دادید. حزب کمونیست کارگری همیشه گفته است که جامعه ایران اسلامی نیست و ما مدتهاست که از یک رنسانس ضد مذهبی در ایران حرف میزنیم. تا آنجا که به حکام اسلامی ایران هم بر می گردد آنها هم حتی از بی دین شدن مردم حرف می زنند. چه شد که این قرار لازم شد؟

اصغر کریمی: این قرار بر اساس مشاهدات واقعی از پیشروی جنبش ضد مذهبی به کنگره پیشنهاد شد. دشنام به اسلام توسط زن معترض در متروی تهران در مقابل ماموران حکومت و تبدیل هشتگ آن به یک ترند در تویتر، هشتگ یک زن عصبانی که بدنبال فریاد «سگ ... به این حجاب» توسط یک زن در یک اداره دولتی به راه افتاد، توی سوراخ کردن ماموران نهی از منکر در متروها و خیابان ها، طنز و دشنام به مقدسات مذهبی و شکستن هر روزه تابوهای مذهبی و انزجاری که همه جا علیه آخوند و تبلیغات اسلامی حکومت موج میزند، نمونه هایی از برآمد ضد مذهبی است. اینها از بدو سر کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشته است. اما هر روز شدیدتر و وسیعتر شده است. یک نمونه آشکار آن تخریب و آتش زدن بیش از ۶۰ دفتر امام جمعه در دی ۹۶ و ادامه آن در آبان ۹۸ بود. در سالهای گذشته همچنین تعداد بی خدایان و آتئیست

دشنام به اسلام توسط زن معترض در متروی تهران در مقابل ماموران حکومت و تبدیل هشتگ آن به یک ترند در تویتر، هشتگ یک زن عصبانی که بدنبال فریاد «سگ ... به این حجاب» توسط یک زن در یک اداره دولتی به راه افتاد، توی سوراخ کردن ماموران نهی از منکر در متروها و خیابان ها، طنز و دشنام به مقدسات مذهبی و شکستن هر روزه تابوهای مذهبی و انزجاری که همه جا علیه آخوند و تبلیغات اسلامی حکومت موج میزند، نمونه هایی از برآمد ضد مذهبی است. اینها از بدو سر کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشته است. اما هر روز شدیدتر و وسیعتر شده است. یک نمونه آشکار آن تخریب و آتش زدن بیش از ۶۰ دفتر امام جمعه در دی ۹۶ و ادامه آن در آبان ۹۸ بود.

بوده است می بیند و آنرا در کنگره خود برجسته میکند و بر اهمیت این جنبش و تقویت و تعمیق و به جلو سوق دادن آن تاکید میکند. یک حزب اجتماعی، سرنگونی طلب و ضد مذهب و درگیر در مبارزه و وظیفه دارد هر گام پیشروی مردم را برجسته کند، آنرا تئوریزه کند، جایگاهش را نشان دهد و راه پیشروی بیشتر را نشان دهد. طبعاً این قرار به همه جوانب مسئله و چه باید کردها نپرداخته است و صرفاً این موضوع را برجسته کرده و بر نقش حزب برای تعمیق این فضا تاکید کرده است و همین قدر

هزیمت مذهب در مقابل این جنبش شروع شده است. و این در شرایطی است که جمهوری اسلامی دهها ارگان با هزینه های سنگین را برای مقابله با بی حجابی و مذهب گریزی مردم سازمان داده، صدها هزار طلبه و آخوند را بجان مردم از جمله دانش آموزان انداخته، اسیدپاشی ها سازمان داده، جریمه ها و دستگیری های وسیعی کرده و هر چه در توان داشته است به کار گرفته است.

حزب این فضا را که بخشی از پیشروی مردم بویژه بعد از آبان ۹۸ است و البته خود حزب یک فاکتور مهم در ایجاد این فضا و لحظات مختلف پیشروی این جنبش

آخوند جماعت، دشنام دادن به مقدسات و سمبل های مذهبی، خالی شدن مساجد، فرهنگ مدرنی که نه تنها در میان نسل جوان بلکه در میان نسل های پیشین به یک نرم تبدیل شده است، روابط میان دختر و پسر، فضای حاکم بر مدارس و دانشگاهها و تلاش های در پی شکست خورده حکومت برای مقابله با این فضا و این فرهنگ، جنبش تعرضی و سازش ناپذیری را نشان میدهد که میخواهد اسلام را و سنت های عقب مانده اسلامی را از دست و پای جامعه جمع کند. جامعه ای که نه پس از سرنگونی بلکه همین الان بخش زیادی از این مسیر را طی کرده است و سالهاست

ها افزایش یافته و درک عمومی و طبقاتی نسبت به اسلام بطور مشخص و مذهب بطور کلی در میان اقشار مختلف مردم بالاتر رفته است. اینها جامعه ای را نشان میدهد که آماده است با تمام قوا به بساط نه فقط آخوند و آیت الله و حکومت و قوانین اسلامی بلکه به کل اسلام و قرآن و مقدسات اسلامی پایان دهد.

این یک نقطه قوت مهم جنبش سرنگونی و انقلاب آتی است که سر سازشی با ایدئولوژی حاکم ندارد. نمونه ها زیادند. شعار "اسلامو پله کردین مردمو ذله کردین" در تجمعات اعتراضی سالهای اخیر، نفرت کل جامعه از

ادامه از صفحه ۷

در این قرار کافی بود.

۹ فضای ضد مذهبی در ایران چنان توده ای و عمیق و تند و تیز است که دیگر حتی رگ گردن اسلامی های دو آتشه هم بیرون نمیزند. آنها سالها است از صبح تا شب نفرت مردم از اسلام و جوک ها و متلک ها و زیر پا گذاشتن تابوهای اسلامی و خشم و عصبانیت علیه این مقدسات را در کوچه و خیابان و در مدیای اجتماعی و رسانه ها می شنوند و می بینند و عادت کرده اند! تلاش جمهوری اسلامی برای حفظ اسلام و مقدسات اسلامی همچنان ادامه دارد و تا روز سرنگونی هم ادامه خواهد داشت، اما عملاً گارد حکومت شل تر شده است و مقامات حکومت و آیت الله ها سالها است در مقابل اسلام گریزی مردم هشدار میدهند و به روند بی اعتبار شدن مذهب و نفرت مردم از اسلام اعتراف میکنند. این یک ویژگی مهم جامعه ایران است و با سرنگونی جمهوری اسلامی فضای منطقه و حتی جهان تحت تاثیر آن تغییرات مهمی خواهد کرد. ۶

انترناسیونال: در مقابل این برآمد ضد مذهبی، جمهوری اسلامی همه چیز را به گردن هجمه غرب و اینترنت می اندازد و نیروهای اپوزیسیون حکومتی می گویند "افراطی گری های حکومت" باعث این وضع شده است و با "اعتدال بیشتر" می شود اعتماد مردم به دین اسلام را دوباره جلب کرد. اشخاصی هم هستند که هرچند با حکومت اسلامی و اسلام سیاسی مخالفند اما به سخره گرفتن مقدسات اسلامی را تندروی میدانند. رویکرد حزب کمونیست کارگری در این مورد چیست؟

اصغر کریمی: چند نکته در سوال شما مطرح شده است: در مورد هجمه غرب و اینترنت، روشن است که تکنولوژی ارتباطی و رابطه گسترده و میلیونی مردم با دنیای غرب و دستاوردهای سیاسی و فرهنگی مردم در کشورهای غربی یک فاکتور موثر در گسترش این فرهنگ در میان مردم در ایران بوده است. اما فضای ضد اسلامی در ایران قبل از هر چیز ناشی از وجود حکومتی است که به اسم اسلام و قرآن و الله ۴۳ سال جنایت کرده، آیت الله های میلیونی پرورش داده و اکثریت مردم را از هست و نیست ساقط کرده است. و امروز به جرات باید گفت که رابطه برعکس شده و فضای جامعه ایران ضد مذهبی تر

از کشورهای غربی است! در کشورهای غربی مردم یکی دو قرن قبل جنگشان را با مذهب به سرانجام رساندند و آنرا توی سوراخ کردند. و هرچند بیخدایی و دوری از کلیساها مدام بیشتر میشود اما جنبش سیاسی ضد مذهبی به دلیل شرایط ویژه این کشورها جایگاه چندانی ندارد. اکنون نوبت رنسانس ضد مذهبی در ایران است و این هجمه! مردم ایران به کشورهای دیگر است که دولت های مرتجع دیگر را باید نگران کند و با سرنگونی جمهوری اسلامی تازه سر بحث های بسیار مهم و تاریخ سازی در سراسر

و تراشیدن آخوند خوشخیم! و اسلام معتدل و غیره را قاطعانه افشا و خنثی میکند.

فضای ضد مذهبی در ایران چنان توده ای و عمیق و تند و تیز است که دیگر حتی رگ گردن اسلامی های دو آتشه هم بیرون نمیزند. آنها سالها است از صبح تا شب نفرت مردم از اسلام و جوک ها و متلک ها و زیر پا گذاشتن تابوهای اسلامی و خشم و عصبانیت علیه این مقدسات را در کوچه و خیابان و در مدیای اجتماعی و رسانه ها

مذهبی بیشتری به تبلیغات خود بزنند. چون میدانند هرچه بیشتر خود را در این لجن فرو کنند بیشتر بی آبرو میشوند. جنبش ضد اسلامی فی الحال هر نوع تفکر و عقیده و سازمان و نهاد مذهبی و نیمه مذهبی را برای همیشه بی اعتبار کرده است و شخصیت ها و احزاب سیاسی را هم در توسل جستن به مذهب محتاط تر کرده است. اما حزب بر خلاف آنها شرایط را برای تعرض به اسلام و مقدسات اسلامی و ریشه کن کردن مذهب به عنوان یک دستگاه پوسیده و کهنه مناسب تر می بیند و هر نوع سازشکاری با مذهب

هیچ نیرویی، نه با اعتدال بیشتر و نه با خشونت بیشتر قادر به جلوگیری از این روند نیست. نه جنبش ضد اسلامی را میتوان معتدل کرد و نه اسلام را. به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی و با کنار رفتن ممنوعیت ها و محدودیت هایی که الان وجود دارد، دست جنبش ضد مذهبی و روشنگرانه بسیار بازتر میشود تا رنسانس همه جانبه سیاسی، فرهنگی و نظری را به سرانجام رساند. در چنین فضایی هرچند جریانات سیاسی بورژوازی از برافتادن بساط مذهب نگرانند اما نه قادرند و نه جرأت میکنند رنگ و لعاب

جهان باز میشود، و دوره تازه ای از تعرض به مذهب و علیه عقبگردی که توسط دولت های غربی نسبت به جنبش ضد مذهبی صورت گرفته، شروع میشود و ضربه سنگینی بر موقعیت مذهب در سراسر جهان وارد خواهد شد.

اینکه با اعتدال بیشتر از طرف حکومت میتوان اعتماد مردم به اسلام را جلب کرد، قبل از هر چیز باید گفت این تلاش ها شده است و شکست خورده است. فی الحال جنبش اسلامی در ایران در مقابل جنبش ضد اسلامی به هزیمت افتاده است و

ادامه از صفحه ۸

» خود این قرار فراتر از مبارزه برای سکولاریسم است، و نه حزب و نه جنبش ضد اسلامی تا سطح سکولاریسم در ایران متوقف نمیشود. ما سالها است از صنعت مذهب و مقابله با آن صحبت کرده ایم و این بخشی از پلتفرم مهم ضد مذهبی ما است. برنامه حزب، یک دنیای بهتر، که ۲۷ سال قبل نوشته شده است، اقدامات متعددی را در زمینه مذهب توضیح داده است: در زمینه جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، لغو مذهب رسمی، آزادی مذهب و بی مذهبی، حقوق کودک، برابری زن و مرد، آزادی پوشش، روابط جنسی، حقوق حیوانات، مسائل مربوط به طلاق و ازدواج و کفن و دفن، ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی، موظف شدن دولت به مذهب زدایی از جوانب مختلف زندگی اجتماعی از طریق اقدامات آگاه گرانه و رشد سطح سواد و اطلاعات علمی عامه، حذف هر نوع اشاره به مناسبت ها و سالروزهای مذهبی از تقویم رسمی، نظارت بر دخل و خرج نهادهای مذهبی و مصادره اموالی که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی به مالکیت نهادهای مذهبی درآمده است و ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب، اینها بخشی از اقداماتی است که توسط دولت بلافاصله به اجرا گذاشته خواهد شد و با اجرای این اقدامات عملاً دکان مذهب و صنعت مذهب تعطیل خواهد شد. تنها یک قلم از این اقدامات یعنی ممنوعیت آموزش مذهبی و ترویج علم در مدارس ضربه بسیار سنگینی به مذهب و صنعت مذهب خواهد بود. اما اینها یک رکن مساله است یعنی در عرصه قانون که عملاً دست مذهب را از جامعه کوتاه خواهد کرد و مذهب را به حیطة باورهای شخصی آدم ها خواهد راند. «

میشوند و میبینند و عادت کرده اند! تلاش جمهوری اسلامی برای حفظ اسلام و مقدسات اسلامی همچنان ادامه دارد و تا روز سرنگونی هم ادامه خواهد داشت، اما عملاً گارد حکومت شل تر شده است و مقامات حکومت و آیت الله ها سالها است در مقابل اسلام گریزی مردم هشدار میدهند و به روند بی اعتبار شدن مذهب و نفرت مردم از اسلام اعتراف میکنند. این یک ویژگی مهم جامعه ایران است و با سرنگونی جمهوری اسلامی فضای منطقه و حتی جهان تحت تأثیر آن تغییرات مهمی خواهد کرد. شاید بخشی از مردمی که در این جنبش به هر شکل نقش ایفا میکنند اهمیت تاریخی و جهانی حرکت خود را نمی دانند اما این از اهمیت نقش آنها کم نمیکند.

اجازه بدهید خیلی فشرده به نقش حزب هم اشاره کنم. یکی از مهمترین اسناد حزب برنامه یک دنیای بهتر است که در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) به تصویب رسید و بخش های مهمی را به مذهب اختصاص داده است. قرار پلنوم نهم حزب در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷ شمسی) نیز سرمنشاء مصاحبه ها و بحث های مهمی در مقابله با اسلام سیاسی و خود اسلام شد و مصاحبه ها و مقالات قابل توجهی علیه اسلام و جنبش اسلامی و دورنمای آن به ادبیات حزب اضافه شد. بدلیل سالها موضع گیری شفاف و روشن علیه مذهب و علیه سازشکاری بخش هایی از اپوزیسیون در قبال مذهب، بویژه از مارس ۲۰۰۴ که کانال جدید فعالیتش را شروع کرد، روحیه تازه ای در فضای جامعه علیه مذهب شکل گرفت. اولین بار بود که جامعه ایران یک حزب سیاسی را میدید که بر خلاف اپوزیسیونی که از رادیویش قرآن خوانی میکرد و یا اپوزیسیونی که با احترام نسبت به اسلام و آخوند اهلی برخورد میکرد، صریح و بی پرده علیه اسلام و مذهب و نقش ارتجاعی آن در طول

و اسلام را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. بطور واقعی روز و ساعتی

بی حقوقی رنگین کمانی ها تا قوانین قصاص و سیستم قضایی و حکومت اسلامی نقش مستقیمی دارد، در نتیجه در همه این مباحث، ماهیت ضد انسانی مذهب

از آنجا که در همه مسائل جامعه از سنسگار و اعدام تا بیحقوقی زن، از بیحقوقی کودک تا ممنوعیت رقص و موسیقی، از روابط آزاد جنسی میان دختر و پسر و

تاریخ و بویژه از مقطعی که جمهوری اسلامی سر کار آمده و ضدیت مذهب با علم و انسان و پیشرفت جامعه بشری صحبت میکند و به مردم خط و جهت میدهد.

ادامه از صفحه ۹

نبوده است که نقش مخرب و جنایتکارانه مذهب در جامعه از کانال جدید مورد بحث قرار نگرفته باشد. در دل کارزارهای بی وقفه حزب در زمینه های مختلف، در افشای آیت الله های میلیاردی تا هزار و یک مساله دیگر مبلغین حزب بی امان به نقش مذهب و مشخصا اسلام و قوانین اسلامی پرداخته اند. گفتیم ایران جامعه ای اسلامی نیست. من یادم نباید قبل از آن کسی، اپوزیسیونی اینرا گفته باشد. این از طرف حزب طرح شد و به یک گفتمان مهم تبدیل شد. گفتیم که جمهوری اسلامی اینرا می گوید تا وجود خود را مشروعیت بخشد و رسانه های غربی و سیاستمداران غربی میگویند تا به کمک تئوری نسیت فرهنگی چشمشان را به روی جنایات جمهوری اسلامی ببندند. ما حتی علیه فتوای قتل تسلیمه نسرین در پاکستان کمپین قدرتمندی در کشورهای غربی سازمان دادیم. در کانادا بساط قوانین شریعه را جمع کردیم. در کشورهایی مثل سوئد و آلمان و انگلیس علیه دست درازی اسلامی ها به زندگی مردم و علیه مماشات با اسلامی ها در مقابل بویژه زنان و کودکان خانواده های اسلام زده، علیه ختنه و حجاب کودک، علیه بلند کردن صدای دلخراش اذان از مساجد، علیه مساجدی که مرکز جاسوسی و ترورند و علیه مدارس اسلامی و غیره کارزارهای عظیمی راه انداخته ایم و در دل این کارزارها ماهیت اسلام و سنت ها و قوانین اسلامی را افشا کرده ایم و قوانینی را در برخی کشورها تغییر داده ایم. در کمپین های عظیمی که فی المثل علیه حکم سنگسار سکینه آشتیانی در سطح بین المللی سازمان دادیم آبرویی برای اسلام و اسلام پنهان نگذاشتیم.

کانال جدید در حدود ۱۸ سال گذشته بیش از صد هزار ساعت برنامه داشته است. در تمام این سالها و در اکثر برنامه ها، مبلغین حزب به زبانی ساده و عامه فهم

مخاطبین میلیونی این کانال را با نقش ضد انسانی مذهب و خرافات مذهبی آشنا کرده اند، ماهیت طبقاتی مذهب و نقش آن در خدمت طبقات حاکم را توضیح داده اند، به احساسات ضد مذهبی مردم استدلال داده اند و تابوهای زیادی را شکسته اند. البته لازم است تاکید کنم که مردمی که بدبختی و بی حقوقی و محرومیت خود را بدست در وجود یک حکومت اسلامی با آیت الله های میلیاردی قرآن به دست می بینند تشنه این حرف ها بوده اند، از این مباحث استقبال کرده و بسیاری از آنها به مبلغین پرحرارت علیه مذهب تبدیل شده اند. به جرات میتوان گفت که هیچ حزبی در کل طول تاریخ چنین نقشی در افشای مذهب و بی اعتبار کردن آن نداشته است. قرار کنگره دوازدهم نیز حزب را موظف کرد که برای تقویت و تعمیق و به جلو سوق دادن جنبش ضد مذهبی اقداماتی فراتر از آنچه تا کنون انجام داده ایم را در دستور بگذاریم. یکی از دلایل محبوبیت توده ای حزب وجه ضد مذهبی آن است.

انترناسیونال: آیا از نظر شما تنها سکولاریسم برای جامعه ایران کافیست؟ و بین سکولاریسمی که شما نمایندگی می کنید و دیگران از آن حرف می زنند چه تفاوتی وجود دارد؟

اصغر کریمی: خود این قرار فراتر از مبارزه برای سکولاریسم است، و نه حزب و نه جنبش ضد اسلامی تا سطح سکولاریسم در ایران متوقف نمیشود. ما سالها است از صنعت مذهب و مقابله با آن صحبت کرده ایم و این بخشی از پلتفرم مهم ضد مذهبی ما است. برنامه حزب، یک دنیای بهتر، که ۲۷ سال قبل نوشته شده است،

اقدامات متعددی را در زمینه مذهب توضیح داده است: در زمینه جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، لغو مذهب رسمی، آزادی مذهب و بی مذهبی، حقوق کودک، برابری زن و مرد، آزادی

پوشش، روابط جنسی، حقوق حیوانات، مسائل مربوط به طلاق و ازدواج و کفن و دفن، ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی، موظف شدن دولت به مذهب زدایی از جوانب مختلف زندگی اجتماعی از طریق اقدامات آگاه گرانه و رشد سطح سواد و اطلاعات علمی عامه، حذف هر نوع اشاره به مناسبت ها و سالروزهای مذهبی از تقویم رسمی، نظارت بر دخل و خرج نهادهای مذهبی و مصادره اموالی که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی به مالکیت نهادهای مذهبی درآمده است و ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب، اینها بخشی از اقداماتی است که توسط دولت بلافاصله به اجرا گذاشته خواهد شد و با اجرای این اقدامات عملا دکان مذهب و صنعت مذهب تعطیل خواهد شد. تنها یک قلم از این اقدامات یعنی ممنوعیت آموزش مذهبی و ترویج علم در مدارس ضربه بسیار سنگینی به مذهب و صنعت مذهب خواهد بود. اما اینها یک رکن مساله است یعنی در عرصه قانون که عملا دست مذهب را از جامعه کوتاه خواهد کرد و مذهب را به حیطه باورهای شخصی آدم ها خواهد راند. اما به این بسنده نمیکنیم و رکن دیگر یعنی آگاه گری در جامعه نیز بخش مهم دیگر فعالیت حزب است که با سرنوشتی جمهوری اسلامی وارد فاز دیگری خواهد شد. با قوانین مذهب را به حیطه عقاید شخصی میرانیم اما با آگاه گری و رواج علم و نظریات علمی و نقد نظری مذهب و خرافه و قرآن و سایر مقدسات مذهبی، در حیطه عقاید شخصی هم آنرا ول نخواهیم کرد.

اینجا باید تاکید کنیم که آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و از جمله آزادی مذهب و بی مذهبی بخش مکمل و مهم مبارزه با مذهب است. ما طرفدار جامعه ای اختناق زده علیه هیچ بخشی از مردم

از جمله معتقدین به مذهب نیستیم. بقول منصور حکمت «آزادی بهترین درمان جهالت و حماقت است. نفس تشکیل فداثیان اسلام بنظر من جرم نیست. نفس خواستن دنیائی اسلامی بنظر من جرم نیست. ما باید جنایت و جرم را تعریف کنیم و بعد آن را ممنوع کنیم. اگر کسی بیاید و بگوید که من یک جامعه اسلامی میخواهم که در آن آدمها بدبخت باشند و زنان در زنجیر باشند و دارد اینها را به مردم می گوید و مردم پرپر نگاهش میکنند، تا این لحظه مرتکب جرمی نشده است. ولی اگر بنا کرد به کشتن کسی، ترساندن کسی، حبس کردن کسی، محروم کردن کودکی از حقوقش، دست اندازی به زندگی و هستی و آزادی کسی، آنوقت است که به استناد این جرائم باید سراغش بروند. به این اعتبار بنظر من نفس داشتن احزاب اسلامی، حتی در سیستم ما، جرم نخواهد بود. نفس تشکیل یک جریانی که بگوید همه جهان باید مسلمان بشود جرم نخواهد بود، چون ابراز جنون آمیز ترین و احمقانه ترین عقاید هم حق آدمهاست، میتوانند نظرشان را بگویند. هدف ما این است که با ایجاد جامعه ای که هیچ کس نمی تواند نیت سیاسی خودش را پشت چنین چیزی پنهان کند، جامعه ای که در آن برای مردم معلوم است دفتر و دستک هر جریانی کجاست و چکار دارد میکند، جلوی رشد اینها را بگیریم. در یک جامعه آزاد که همه حق دارند حرف بزنند، و هر کس حق دارد نمایشنامه بنویسد یا شعر بگوید، یا برود در خیابان فریاد بزند و یا در مدرسه پا شود و هر ایرادی از برنامه درسی اش بگیرد، یا از کانال رادیو و تلویزیونی که وقتش بین شهروندان تقسیم شده، مردم حرفشان را بزنند و نظرشان را بگویند، اینکه از هر ده هزار نفر یک نفر پا شود و حرف های فاشیستی بزند یا حرفهای راسیستی و اسلامی بزند برای آن جامعه پدیده ای قابل تحمل و حتی قابل ریشخند خواهد بود و زیاد جدی اش نمی گیرند.» منصور حکمت اینها را بیش

از بیست سال قبل گفت و اکنون که جنبش ضد اسلامی عمیق و گسترده ای در ایران شکل گرفته است، این حکم یعنی آزادی عقاید مذهبی در فردای بزرگ کشیدن حکومت اسلامی بیشتر از آن زمان به قوت خود باقی است. ما عقاید مذهبی را آزادانه ور خواهیم انداخت.

این نکته را هم اجازه بدهید در پایان این بحث اضافه کنم. حتی پس از سرنوشتی حکومت اسلامی هم بخشی از مردم همچنان اعتقادات مذهبی خواهند داشت و اعتقادات مذهبی در میان بخشی از مردم به دوام خود ادامه خواهند داد. از این بخش جامعه، بجز بخش کوچکتري که تعصبات شدید مذهبی دارند، اکثر آنها مدتهاست در راه و رسم زندگی شان مذهب را کنار گذاشته اند، با کودکانشان نه بر اساس آموزه های مذهبی و اسلامی بلکه کم و بیش انسانی رفتار میکنند، نگرش شان، زن یا مرد، در مورد موقعیت زن در جامعه متفاوت از نگرش عقب مانده و ضد زن اسلامی است، اکثریت آنها خمس و زکات نمی دهند و آخوند و آیت الله را یک مشت ریاکار و متقلب و مفت خور به حساب می آورند و بر این باور نیستند که معتقدین به مذاهب دیگر یا بیخدایان را باید به قتل رساند یا خانه هایشان را به آتش کشید. خیلی هایشان آرزو میکنند حزبی مثل حزب کمونیست کارگری به قدرت برسد و رفاه و برابری را حاکم کند. ما اینها را دوستان خود میدانیم و دلسوزانه کمک میکنیم که پوسته های تفکرات مذهبی آنها نیز از بین برود. کاری که مدتهاست به آن مشغولیم.

برنامه ما صرفا محدود به حیطه مذهب نیست. اساس برنامه ما پایان دادن به بردگی مزدی یعنی ریشه همه بدبختی ها و نابرابری ها و رونمای فرهنگی آن است. در جامعه ای که از حکومت اسلامی رها شده باشد، رفاه و

حکومت عزا و غم سرنگون!

آزادی و برابری حاکم شده باشد، توده های مردم از طریق شوراها در همه امور نقش داشته باشند و با وجود یک جنبش ضد مذهبی کار ما برای جارو کردن مذهب از حیطة عقیده بسیار راحت تر خواهد بود و مذهب در حیطة عقاید شخصی هم به سرعت رنگ خواهد باخت. امیدوارم تفاوت رویکرد ما با جریاناتی که از سکولاریسم، آنهم عمدتاً سکولاریسمی نیم بند صحبت میکنند هم روشن شده باشد.

قرار در مورد برآمد ضد مذهبی جامعه

ضدیت مردم با حکومت اسلامی و ایدئولوژی و قوانین اسلامی اش بدنبال خیزش آبان ۹۸ ابعاد تازه ای یافته است. مردم اکنون با طنز و تمسخر و دشنام به مذهب و مقدسات مذهبی، انزجار عمیق خود را از اسلام و آخوند و نهادهای مذهبی علنا اعلام میکنند. این تعرض تابو شکنانه یک جامعه زخم خورده و زجر کشیده از اسلام و مقدسات و نمادها و خرافات اسلامی است. جامعه ای که بارها در ابعاد وسیعی اعتراضش به دخالت مذهب در زندگی خصوصی و اجتماعی خود، و مخالفتش با زن ستیزی اسلامی و حجاب و آپارتاید جنسی را اعلام داشته است. مردم از فرهنگ ماتم و عزا و شهادت و سوگواری اسلامی منزجرند و خواهان یک زندگی شاد و مدرن و انسانی و بری از خرافات و تابوهای اسلامی هستند.

جنبش ضد اسلامی جنبشی عمیقاً سیاسی است که پایه های ایدئولوژیک حکومت را نشانه گرفته و پایان هر نوع حکومت مذهبی و دخالت مذهب در دولت را اعلام کرده است. جنبشی که هر نوع تفکر و عقیده و سازمان و نهاد مذهبی و نیمه مذهبی را برای همیشه بی اعتبار کرده است.

کنگره دوازدهم حزب اعلام میکند که جامعه ایران یک جامعه غیر مذهبی است و مذهب در دولت و قوانین آینده ایران جایی نخواهد داشت. حزب جنبش ضد مذهبی را بخش مهمی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران میداند و با تمام قوا برای تقویت و تعمیق و به جلو سوق دادن آن مبارزه میکند.

نگین پارسا

چهل و دو سال است که بختک جانیان اسلامی بر روح و روان جامعه ایران سایه انداخته و با صرف مبالغ هنگفت دکان و صنعت کثیف مذهب را میگردانند. ناقوس مرگ را به صدا درآوردند و با ایجاد و برپایی مراسم های عزا تحت عناوین مختلف به جنگ شادی و زندگی مردم رفتند. رقص و آواز و شراب را ممنوع کردند و به هر جشن و محفلی حمله کردند و دستگیر و زندان و حتی اعدام کرده اند.

اما هر چه تقلا کردند و جنایت کردند و لشکرکشی کردند بیشتر توی پوزه شان خورد و عقب رانده شدند. جالب است که امسال مراسم های شادی و رقص و پایکوبی یلدا "ایام فاطمیه" شان را لگد مال کرد و زنان و مردان از پیر و جوان از پارکهای شهر و تفریحگاه ها تا دورهمی ها با هم شعر خواندند و رقصیدند و بساط اسلام را به سخره گرفتند. حتی در شهر مشهد سالهاست حکومت به دلیل تو دهنی هایی که از سمت مردم خورده جسارت اعلام عمومی ممنوعیت برگزاری جشن ها را از دست داده و امسال در این شهر که ادعای تسلط فرمانروایی مافیای آستان قدس را دارند تنها اتاق اصناف شکری خورد و اعلام کرد که در هتلها و مکانهایی که در آنها جشن برگزار میشود

چشم و شادی ممنوع است که مردم هم با برگزاری هرچه باشکوهتر جشن و پایکوبی های گروهی از خجالتشان درآمدند. سالهاست که مردم عکس فتوهای های حکومتی رفتار میکنند و به این ترتیب بساط هیئت های عزاداری و مذهبی را از رونق انداخته اند و این اوباش چرخانی ها هر روز بیشتر مورد تمسخر و خشم مردم قرار میگیرند به طوریکه هشتک های انزجار از دین و مذهب در فضای مجازی براه می افتاده و مورد استقبال قرار میگیرد.

در یک کلام مردمی که در طی سالیان سیاه حکومت اسلامی درد تازیانه و شمشیر کثیف مذهب را چشیده اند و فشار خرد کننده طناب های قصاص را بر گردن خود لمس کرده اند آنچنان خمی در گلو دارند که دیگر به جای مزدوران حکومتی این مردم هستند که به اصطلاح آنها "آتش به اختیار" عمل میکنند و دست و پای اراذل و اوباش امر به معروفشان را میگیرند و از مکان های عمومی به بیرون پرتاب میکنند. دور نیست که حکومت عزا و مرگ و نیستی، حکومت قاتل شادی و عشق و زندگی با جشن و هلهله و رقص و آواز به زباله دان تاریخ انداخته شود.

۲۶ دسامبر ۲۰۲۱

۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

پخش زنده آنلاین:

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

پخش زنده

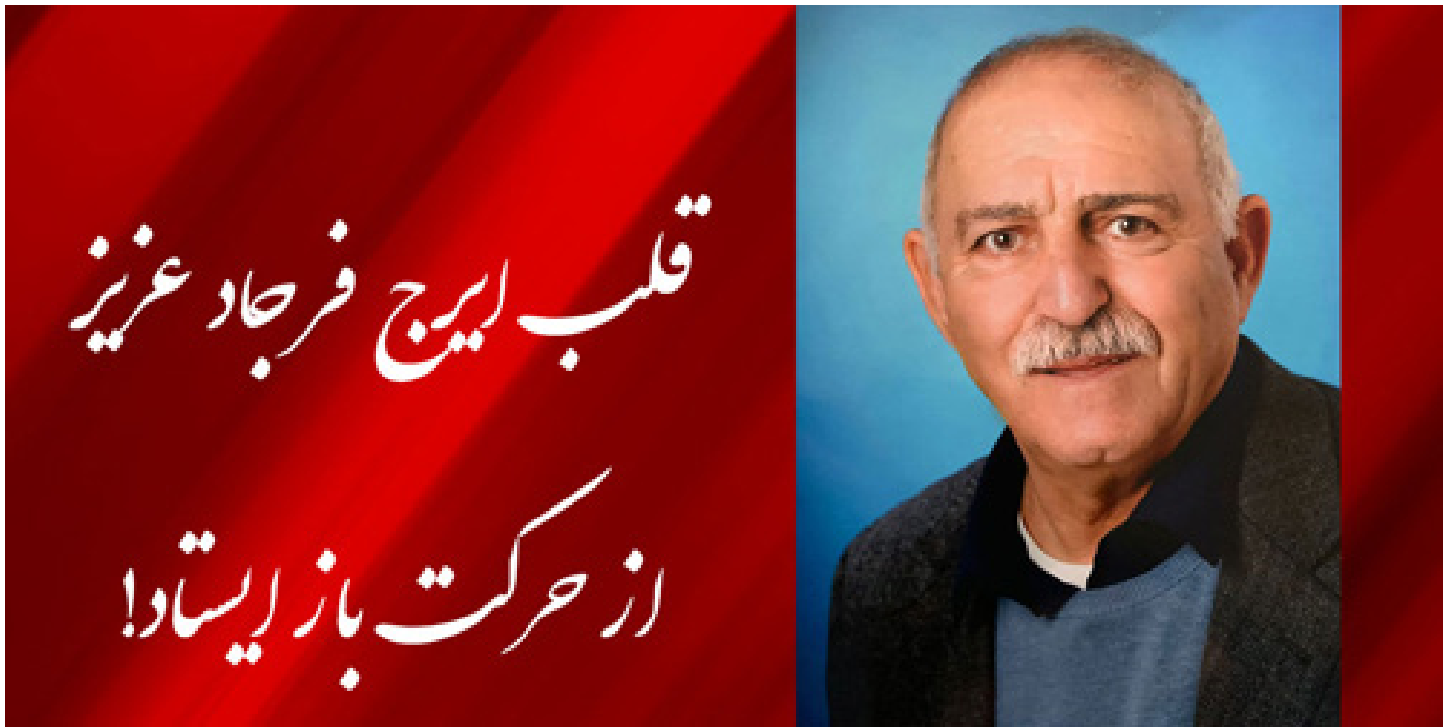
اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

newchannel.tv/live/tv

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:



با اندوه فراوان به اطلاع رسانیم که ایرج فرجاد از کادرهای قدیم و برجسته حزب کمونیست کارگری کمونیست مصوب و سرشناس که بیش از ۴ دهه از زندگی اش را صرف مبارزه برابر آزدادسورهای مردم و برابر جامعه لار سوسیالیست و انسانگر، امروز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱ (۷ دیماه ۱۴۰۰) بدلیل ابتلا به کرونا درگذشت. ایرج عزیز ۷۵ سال سن داشت و پیر از سالها فعالیت در کومه و حزب کمونیست ایران، در اوایل دهه نود میلادی همراه با خانواده اش به آلمان آمد و به مبارزه در صفوف حزب کمونیست کارگری ادامه داد.

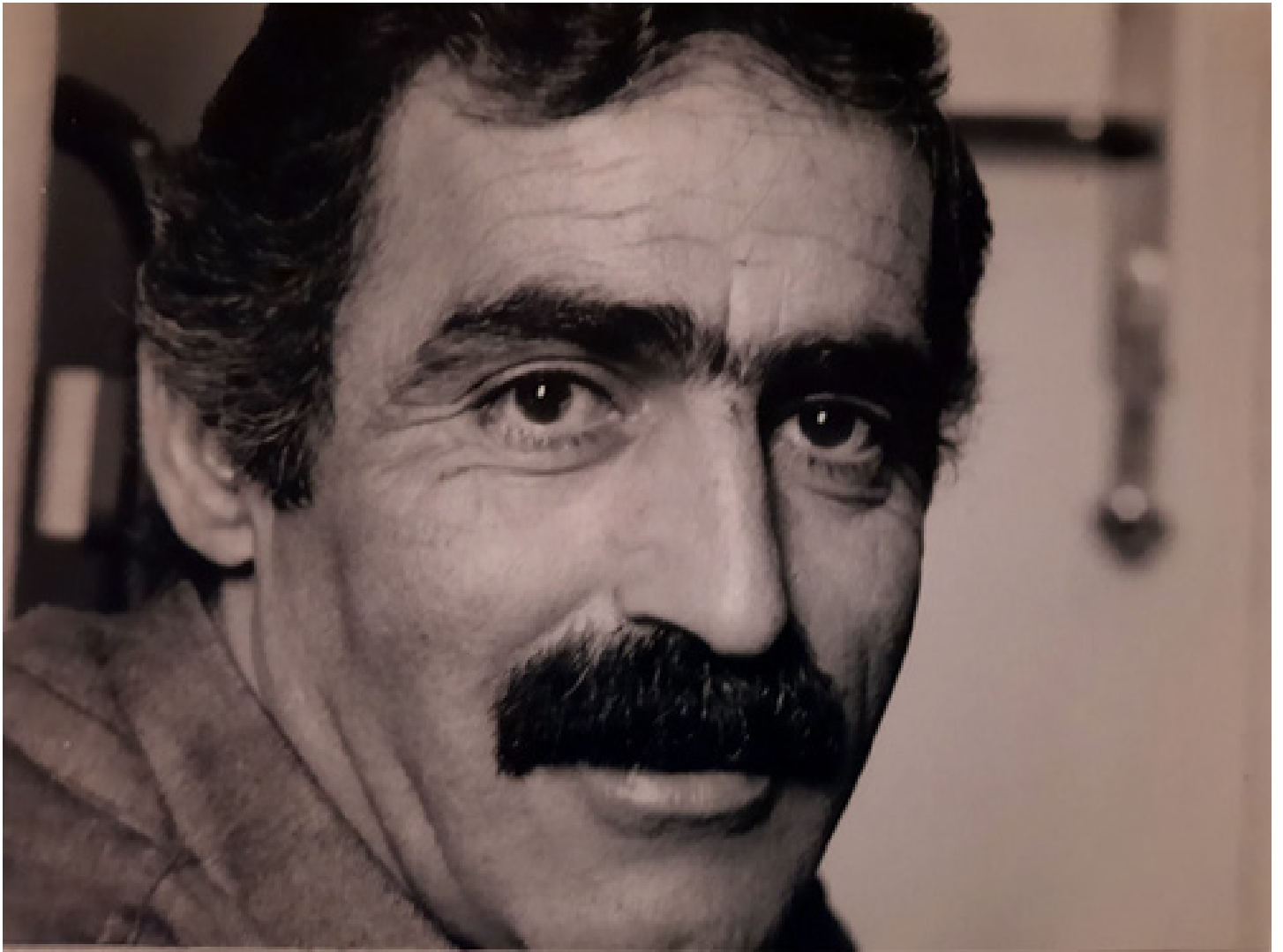
درگذشت ایرج کمونیست برجسته و شخصیت مصوب مردم سنج را به خانواده عزیزش، به همسرش منیره شریفیوریان و به فرزندان عزیزش سحر و سوما و کاوه و سایر بستگان او، به اعضا و دوستانش حزب و به همه مردم معتزله صمیمانه تسلیت میگوییم.

ایرج نماد بارز از صداقت، صمیمیت، فداکاری و انسانیت بود. از نوجوانی تا کور خانواده شد و از همان زمان تبعیضات و نابرابریهای جامعه سرمایه داری را با گوشت و پوست لمس کرد و با آشنایی با ایده های کمونیست در ۴۵ سال پیگیرانه علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم مبارزه کرد.

درگذشت ایرج فرجاد برابر تمام کسانی که او را میشناسند رویداد بسیار دردناک است. مرگ او ضایعه بزرگ برابر حزب و جنبش رهاییبخش و سوسیالیست است. ایرج از میان ما رفت اما زندگی سرایا مبارز او مانع الهام برابر همه ما در مبارزه علیه بیعدالتی و برابر جامعه لار از ظلم و نابرابری خواهد بود.

یاد ایرج فرجاد، ایرج انسان بزرگ و دوست داشتنی، همیشه در قلب ما باقی خواهد ماند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ دسامبر ۲۰۲۱، ۷ دیماه ۱۴۰۰



درد جانقاھر است

حزب ما یقیناً از قدیم ترین، محکم ترین
و دوست داشتنی ترین کادرها را خود را از
دست داد. لایح فرهاد عزیز از میان ما رفت
و "روزنه لاسه زندگنر میلیاردها انسان" خاموش
شد. درگذشت او را به همسر شریف عزیز،
فرزند لایح و نوه های شرو هم همزمان شمیمانه
تسلیم میگویم.

صدید تقوایی

۲۸ دسامبر ۲۱





جهت اطلاع همه رفقا
و دوستان عزیز!

پدرم، دوست و
رفیق عزیزم ما را
تنها گذاشت.

امروز به تاریخ ۲۸
۱۳۰۱۰۲۱۰۲۰ پدرم
ایرج فرجاد در سن
۷۵ سالگی از میان ما
رفت. درگذشت

پدرم برگزیده
خسارت بزرگ و
جبران ناپذیر برادر
همه ما است. مع

میدونم ایرج فقط به ما متعلق نبود، او تنها دوست و یاور ما نبود بلکه ایرج به همه ما و دوستان و رفقای متعلق بود
از این رو از طرف همه خانواده فرجاد به همه شما عزیزان تسلیت میگویم. مرگ ایرج بسیار غیر منتظره و همه ما را
شوک کرد. در حقیقت امروز صدف انسانیت، صدف آرزوخواهر و برابر طلب برادر متعهد تاریخ باران خود
را از دست داد. ایرج انسان سوسیالیست و چپ بود. مبارز فعال و خستگی ناپذیر برادر آرماتهای انسان و
سوسیالیست از خصوصیات برجسته بود. متأسفانه امروز این انسان بزرگ و دوست داشتند از میان ما رفت:

دوستان عزیز شرایط ویژه کرونا به ما وضعیت بر خلاف میل خودمان تحمیل کرده است و ما نمی توانیم آنگونه که در
نظر تغییریم. همچنانکه خود میدانید تجمع بیشتر از ۱۰ نفر در یک اتاق ممنوع است. بنابراین در حال حاضر هیچ
مراسم در منزل خصوصاً ایرج برگزار نخواهد شد. ما احساسات شما عزیزان را درک میکنیم دوست داشتیم در
این روزها رفاقت شما را کنار خود داشته باشیم و هر همه ما باید این شرایط ویژه را رعایت کنیم. لذا از همه
شما عزیزان خواهش میکنیم برادران را از هم در دریا شماره ها تلفنهای زیر تماس بگیرید و از مراجعه به منزل شصت
ایرج خودداری کنید. در مورد برگزاری مراسم یادبود ایرج فرجاد بعد از اطلاع رسانی خواهد شد. شماره ها را تماس

Kawa Farjad +۴۹۱۶۲۲۴۶۷۸۹۵

Woria Ahmadi +۴۹۱۵۷۴۵۱۶۴۶۴۶

Sahar Farjad +۴۹۱۷۶۷۰۸۹۳۸۴۷



آسمان شهر ما امشب، غمگین و غمبار است. کلمه بدوخ تو، چه سرد و بر روع است. امروز در لایح شهر، قلبم از حرکت ایستاد که بیست و نه سال برادر آرزو خود بخت برادر همه تپیده بود، امروز انساخ بزرگ برادر همیشه چشمهایش را بست که نگران همه مردم لایح و دنیا بود و هر لحظه و هر روزش را با تلاشش برادر بهبود زندگی همگان سپرد میکرد. امروز برادرم، رفیقم، همیشه محافظم و تکیه گاهم را از دست دادم. وقت هفت سال پیش برادر من در تهران برادر بیمار بود بعد از اینکه سر و پانچ سال او را ندیدم، در گذشت، و قتر پیش لایح فرهاد گریه کردم، گفتم ایست لایح بود، و لرغ ترا دارم، کسر که میتوانم بدوخ کمتریخ تردید به او تکیه کنم و امروز تو رفتی و ما را و بویژه همسر مهربان و فرزندان و نوه های ما را تنها گذاشتی، بدرود قصرمان هزاران نفر، بدرود ستاره در فضاخ حزب کمونیست کارگر لایح، بدرود لایح فرهاد. خیل دوست دارم برادر همیشه در قلب همه ما خواهد ماند.

مینا لاسر

یاد لایح عزیز همیشه در قلب ما است

لایح دلسوز و مهربان، لایح خستگر ناپذیر را ناباورانه از دست دادیم، لایح سبیل صداقت و از خود گذشتگر بود. او از همان دوران نوجوانی لایح کار سخت و طاقت فرا جوهر ضد انساخ نظام سرمایه داری را با تمام وجودش حس کرد و به مقابله با آن برخاست. او طر سالیخ در لایح چه در کردستان، چه در تهران و دیگر شهرها لایح و همینطور در شهرها مختلف اروپا بطور خستگر ناپذیر علیه او باشاخ اسلام فعالیت کرد، او همواره از سازماندهندگان و از ستونها حزب بود.

او همچنین پدر مهربان و مسئول بود، او ستون محکم در خانواده اش بود. همینجا به منیر عزیز، صر، سوما، کاوه و وریا عزیز و تمام خانواده اش صمیمانه تسلیم میگویم. ما هم در غم از دست دادن لایح عزیز شریک هستیم، یاد او همیشه با ما است.

لامیر توکلر از طرف سایت روزنه



یاد ایرج فرجاد عزیز گرامی باد!

با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که روز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱، رفیق ایرج فرجاد کادر سرشناس و قدیمی جنبش چپ و کمونیستی ایران به علت ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در بیمارستانی در شهر کلن آلمان درگذشت. ایرج فرجاد از چهره های مبارز و سرشناس شهر سنندج و از کادرهای قدیمی حزب کمونیست ایران و کومه له و متعاقب آن از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران بود.

ایرج فرجاد چهره ای محبوب، صمیمی، مهربان، قابل اتکا و مورد اعتماد بود و زندگی اش را وقف مبارزه برای تحقق آرمان های انسانی اش کرد.

ما درگذشت رفیق ایرج فرجاد را به اعضای خانواده، بستگان و همسنگران در حزب کمونیست کارگری ایران صمیمانه تسلیت میگوییم. یاد ایرج فرجاد عزیز گرامی باد!

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
۲۸ دسامبر ۲۰۲۱

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق ایرج فرجاد!

با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که امروز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱، رفیق ایرج فرجاد کادر سرشناس و قدیمی حزب کمونیست کارگری ایران و از چهره های محبوب و سرشناس شهر سنندج در انقلاب ۱۳۵۷ که از مدتی پیش به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده بود، در بیمارستانی در شهر کلن آلمان درگذشت.

ایرج فرجاد چهره ای محبوب، صمیمی، مهربان و خوش طبع بود و زندگی اش را وقف مبارزه برای تحقق آرمانهایش کرد. ما درگذشت رفیق ایرج فرجاد را به اعضای خانواده و بستگان، همسنگران و رفقای سالهای طولانی مبارزه سوسیالیستی و رفقایش در حزب کمونیست کارگری ایران صمیمانه تسلیت میگوییم. یاد ایرج عزیز گرامی باد!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۸ دسامبر ۲۰۲۱

پیام تسلیت به خانواده رفیق ایرج فرجاد و حزب کمونیست کارگری ایران!

با نهایت تأسف امروز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱ (۷ دیماه ۱۴۰۰) ویروس کووید ۱۹ ایرج فرجاد عزیز را در بیمارستان شهر کلن آلمان از ما گرفت و زندگی پربار و افتخار آمیزش به پایان رسید.

درگذشت رفیق ایرج را به حزب کمونیست کارگری ایران و اعضا آن، به همسرش منیر شریفپوریان، و فرزندان عزیزش سحر، کاوه، و سوما، و به دیگر رفقا و دوستانش در اروپا و شهر سنندج تسلیت می گوئیم.

رفیق ایرج کمونیست محبوب و سرشناسی در شهر سنندج و کادر برجسته و خستگی ناپذیری در آن حزب بود که بیش از چهار دهه زندگی را صرف مبارزه در راه عدالت خواهی و آزادی برای ایجاد جامعه سوسیالیستی کرد. استواری و عزم او در شرایطهای مختلف مبارزاتی و مهربانی و صبوری در برخورد به اطرافیان هنگام بروز مشکلات و در روزهای سخت کم نظیر و سرمشق بود. ایرج تنها فعال محبوبی در حزب خود نبود و از جمله کادرهایی است که در میان دیگر احزاب کمونیسم کارگری جایگاه و محبوبیت ویژه داشت. او در میان مردم شهر سنندج هم از جمله شناخته شده ترین و محبوب ترین کمونیستها این شهر است.

امروز روز دردناکی برای خانواده و دوستان و تمام رفقایش است. درگذشت ایرج فرجاد ضایعه ای برای آن حزب و کسانی است که برای رهایی انسان و ایجاد جامعه سوسیالیستی عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری تلاش میکنند.

یاد عزیزش گرامی
مبارزان کمونیست
۲۸ دسامبر ۲۰۲۱

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

تجربه من از حرکت جسورانه ویدا موحد و دختران خیابان انقلاب



گرامی باد ۶ دی، ۲۷ دسامبر، روز جهانی #نه_به_حجاب_اجباری

روسی خودشونو روی شونه انداختند . با ویدا احساس نزدیکی میکردم . انگار سالهاست که ما این روسی رو بارها بر سرچوب کردیم و حالا ویدا به نمایندگی از ما به بالای سکو رفته و گفته که این هست رفتار ما با حجاب اجباری و تحمیلی و حکومتی . حرکت ویدا برام غریب و نا آشنا نبود برعکس تکه ای از وجود خودم بود که با ویدا فریاد زده میشد . آن حاجبی که بر سر چوب رفت فقط حجاب اجباری ویدا نبود بلکه حجاب اجباری میلیونها زن در ایران بود که اونروز در دستان ویدا بود و از طرف ما با دستان ویدا بر سرچوب رفت و دیدیم که در ادامه دختران خیابان انقلاب چطور مَهر تأیید زدند بر این مطالبه ای که متعلق به میلیونها زن هست . ویدا نماد میلیون ها زن در ایران و آن روسی که آن روز روی سکو بر سر چوب رفت ، نماد حجاب اجباری بود و تا ابد در تقویم مبارزات زنان ایران ماندگار خواهد شد.

آزاده احمدوند از ایران

زمانی که ویدا موحد حجاب را بر سرچوب کرد همان روز به سرعت این خبر در شبکه های اجتماعی دست به دست شد . هنوز کسی نام ویدا موحد را نمیدونست . همه از زنی صحبت میکردند که با ظاهری ساده و موهایی مرتب بدون روسی بر سر سکویی ایستاد و حجاب را بر سر چوب کرد . اولین حسی که از حرکت این زن به من دست داد این بود که من تنها نیستم ما کم نیستیم و دیگر روسی در این جامعه بر باد رفته و حجاب جایی نداره . این زن جسور چه کسی هست که بالاخره کاری که باید ما زنان پیشتر انجام میدادیم رو انجام داد؟ . خودم بارها هر جا که تونستم شال یا روسی از سر برداشتم اما همیشه در حال حرکت بودم و تجربه ی اینو نداشتم که یکجا بایستم و روسی بردارم . راهپیمایی بدون حجاب تنهایی یا با دوستانم انجام میدادیم و جالب این که معمولا زنان دیگه با لیخن رضایت به ما نگاه میکردند و گاهی هم شده که با دیدن ما اونها هم

جیب مردم کرده است و علیه نیازها و معیشت جامعه شمشیر را از رو بسته است. و در تازه ترین حمله سازماندهی شده و حداکثری به معیشت و منزلت جامعه بودجه ای سراسر تبعیض و تشدید کننده فقر و فلاکت را به تصویب رسانده است.

دانشجویان نیز همصدا با معلمان، کارگران و همه محروم شدگان از حقوق بحق خود علیه این هجوم همه جانبه و سیستماتیک به رفاه، امنیت، معیشت و منزلت جامعه هشدار جدی می دهند و علیه این جنگ علنی حکومت با مردم سکوت نخواهند کرد .

از جهات مختلف مانند تامین رفاهیات دانشجو که حداقل آن سلف است افزایش قیمت فاحشی در غذاها بوجود آمده است و عملا من تا جایی که اطلاع دارم هیچ دانشگاهی نیست که بتواند هزینه های سلف را از محل اعتباراتی که تا حالا اختصاص یافته است تامین کند.

دولت جمهوری اسلامی به تبع اهداف و برنامه های سران حکومت و در راس آن رهبر جمهوری اسلامی حالا در شرایط ورشکستگی اقتصادی و در جهت تامین منافع خود هر چه بیشتر و علنی تر دست در

بحران اقتصادی موجود متاثر از سیاست ها و برنامه های حکومت پس از تشدید فقر و فلاکت عمومی حالا به بحرانی که از آن پشت پرده عدم بازگشایی دانشگاه نام برده می شود تبدیل شده است و به اقرار روسای دانشگاه های کشور بازگشایی دانشگاه ها با این بودجه و شرایط موجود ممکن نیست و دانشگاه ها توان تامین نیازها و موارد رفاهی دانشجویان را نیز ندارند .

بحران عدم توانایی تامین نیازهای دانشجویان به حدی رسیده است که رئیس دانشگاه نوشیروانی صریحا می گوید: "



هر گونه پرونده قضایی علیه توماح صالحی باید فوراً لغو شود!

تماس با ما در تلگرام و سینگال
 0046739681438
 @javanan.komunist @javanankomunist @cyo.sjk @javanan.komunist

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۷



اجازه تاسیس دفتر نمایندگی مراجع تقلید در دانشگاهها را نمی دهیم!



0046739681438

تماس با ما در تلگرام و سیگنال

@javanan.komonist

@javanankomonist



@cyo.sjk

@javanan.komonist

ای که حکومت تلاش داشت با پروژه هایی چون «شهادی گمنام» دانشگاهها را به قبرستان تبدیل کند و اینک به هر دری می زند که دانشگاه را به محل جولان طلبه ها و آخوندهای حوزه علمیه تبدیل کند. کارشان به آنجا رسیده که دارند دفاتر فسیل هایی به نام مراجع تقلید را در دانشگاه باز میکنند.

در برابر چنین طرحهای مضحکی که اساسا برای سرکوب فضای #دانشگاه سازماندهی می شود باید ایستاد و دست به اعتراض زد. جمهوری اسلامی مدتهاست که محیط دانشگاه را از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به #دانشجویان مدرن و پیشرو جامعه ایران باخته است و امروز درمانده تر از هر زمانی کوشش می کند که خود را از طریق وارد کردن دارودسته اوپاش مذهبی اش در دانشگاه احیا کند.

اکنون سالهاست که فضای جمهوری اسلامی تلاش دارد به هر قیمتی جلوی فضای مدرن، رادیکال و چپ شکل گرفته در درون دانشگاهها را سد کند. در تازه ترین خبر در راستای همین تلاشهای بیپوده حکومت، رئیس #دانشگاه_تهران در دیدار با مراجع تقلید شیعه در شهر قم ضمن اعلام خبر راه اندازی مرکز «تبادلات حوزه و دانشگاه» از آن ها خواست که در این دانشگاه دفتر نمایندگی به راه بیندازند.

محمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران، روز پنجشنبه، دوم دی، در دیدارهای جداگانه با مراجع تقلید، هدف از راه اندازی این مرکز را «گسترش رفت و آمدهای علمی بین حوزویان و دانشگاهیان» به منظور «شکل گیری تمدن نوین اسلامی» عنوان کرد.

دیر زمانی نمی گذرد از دوره

نامه‌ی سرگشاده یک بازنشسته



باید خود خریداری نماید. حتی از نظر مواد غذایی دارای کیفیت بسیار پایین است! که در مواردی زندانی خود مجبور به خرید مواد و طبخ آن است. در " زندان تهران بزرگ " حتی آب گرم مناسب برای استحمام وجود ندارد.

من اسماعیل گرامی صدایی از بازنشستگان بوم و از تمامی بازنشستگان، همکاران، دوستان، و آشنایان انتظار دارم صدای من باشند و این نامه را به هر زبانی که برایشان مقدور است ترجمه کرده و آن را برای سندیکاهای اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف و همچنین سازمان حقوق بشر ارسال نمایند تا جهانیان بدانند که ادعای رعایت حقوق بشر حکومت جمهوری اسلامی ایران دروغی بیش نیست.

اسماعیل گرامی - کارگر بازنشسته

زندان تهران بزرگ

۱۴۰۰/۱۰/۶ برابر ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱

من #اسماعیل_گرامی کارگر بازنشسته کارخانه ی کارتن سازی که خواهان افزایش حقوق خود و دیگر بازنشستگان طبق قانون بوده و در تجمعات قانونی بازنشستگان شرکت کرده ام، با قوانین جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته شده و محکوم به ۴ سال حبس شده ام و هم اکنون مدت ۹ ماه است که در " زندان تهران بزرگ " بسر می برم.

در کجای دنیا یک فرد بازنشسته با ۶۶ سال سن و بیماری های صرع، پروستات، کمردرد و دندان دردهای پی در پی فقط به خاطر اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و شرکت در تجمعات مجرم شناخته شده و به حبس محکوم می گردد؟

حکومت جمهوری اسلامی ایران در حالی با یک بازنشسته چنین برخوردی می کند که ادعای رعایت حقوق بشرش گوش جهانیان را کر کرده است. " زندان تهران بزرگ " که در آن مجبوس هستم نمونه ای از زندان های ایران است که آب آشامیدنی ندارد و زندانی

اطلاعیه های حزب

سه نهاد سیاسی از جهانیان خواستند که به حکم اعدام دریس اعتراض کنند!

اطلاعیه شماره ۴ کمپین نجات عباس دریس



تماس: خواند.

مینا احدی: 00491775692413

هرمز رها: 0046737896505

حسن صالحی:

0046703171102

کمپته بین المللی علیه اعدام

۹ دی - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

به آدرسهای زیر و یا آدرس سفارت جمهوری اسلامی در کشوری که زندگی می کنند ارسال دارند:

Ebrahim Raisi

Twitter: @raisi_com

Ali Khamenei Email:

info_leader@leader.ir

Twitter: @khamenei_ir

Permanent Mission of the

Islamic regime to the UN

Email: iran@un.int

کارزار نجات عباس دریس در ایران و جهان ادامه دارد. علاوه بر ۱۴۵ خانواده دادخواه که چندی پیش با انتشار یک بیانیه خواستار لغو عباس دریس شدند اکنون و از جمله در حمایت از او طومارهای اعتراضی به راه افتاده است و اعتراض به حکم اعدام عباس دریس به گفتمانی در مدیای اجتماعی تبدیل شده است. کمپته بین المللی علیه از این تلاش ها در جهت لغو حکم اعدام عباس دریس استقبال می کند و همگان را به تلاش بیشتر برای نجات وی فرامی

دریس شوند. متن این نامه کوتاه اعتراضی به زبانهای انگلیسی و فارسی بدین قرار است:

ترجمه فارسی این نامه اعتراضی که به زبان انگلیسی است بدین قرار است:

"ما مطلع شده ایم که سیستم قضایی جمهوری اسلامی حکم اعدام عباس دریس از بازداشت شدگان اعتراضات آبان ۹۸ علیه گران شدن بنزین را صادر کرده است. برادر وی نیز به دلیل مشابهی در زندان بسر می برد. ما بدین وسیله صدور حکم اعدام علیه عباس دریس را قویا محکوم می کنیم و خواهان لغو حکم اعدام وی هستیم. ما همچنین می خواهیم که عباس و برادرش، محسن دریس، فوراً از زندان آزاد شوند تا بتوانند به نزد خانواده خود بازگردند."

در بیانیه این سه نهاد از مردم جهان خواسته شده است که نامه اعتراضی بالا را

سه نهاد کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته بین المللی علیه اعدام با انتشار یک نامه به زبان انگلیسی از مردم جهان، سازمانها و نهاد های مردمی خواستند که نسبت به حکم اعدام عباس دریس اعتراض کنند و خواهان توقف حکم اعدام وی شوند. در این نامه که به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱ انتشار یافته است ضمن اشاره به دستگیری عباس دریس و برادرش محسن دریس در اعتراضات آبان ۹۸ در ماهشهر، گرفتن اعترافات اجباری از عباس دریس زیر شکنجه و سپس صدور حکم اعدام برای عباس و حکم حبس ابد برای برادر وی از جهانیان خواسته شده است که نسبت به این احکام اعتراض کنند و خواهان لغو حکم اعدام و زندان این دو برادر و آزادی آنها شوند. در بخشی از این بیانیه از مردم جهان خواسته شده است که با ارسال یک نامه اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی خواهان توقف اعدام عباس

۷ دی: بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در مورد نحوه ادامه اعتراضات



ایران در صورت محقق نشدن خواسته های مطرح شده با تمام قدرت از حق تعطیلی کلاس، اعتصاب و تجمع در جهت حمایت از خواسته های به حق معلمان و دانش آموزان استفاده خواهد نمود. ما هشدار می دهیم تبعات این تصمیم شورا مستقیماً بر عهده حاکمیتی است که تیغ خود را سمت و سوی منافع معلمان و دانش آموزان در بی اعتنائی به آموزش رایگان و با کیفیت گرفته است. نادیده گرفتن مطالبات معلمان مسلماً تاوان سختی خواهد داشت."

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دی ۱۴۰۰، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز ۷ دی طی بیانیه ای در مورد نحوه ادامه مطالبه گری و اعتراضات خود اعلام موضع کرده و بر مطالبات فوری شان تاکید کردند. این بیانیه همزمان با تجمعات وسیع معلمان بازنشسته انتشار یافت.

در این بیانیه معلمان با توجه به اینکه دوره امتحانات آغاز شده است به حکومت اولتیماتوم دادند که اگر تا پایان این دوره به مطالبات آنها پاسخ داده نشود، اعتراضات خود را در اشکال گسترده تری به پیش خواهند برد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان



یکشنبه ۲ ژانویه ۲۰۲۲، ۱۲ دیماه ۱۴۰۰،
ساعت ۷ عصر اروپای مرکزی، ۹:۳۰ شب بوقت ایران
برنامه همزمان از تلویزیون کانال جدید، اینستاگرام،
توییتر، یوتیوب و فیسبوک پخش میشود



سمینار آنلاین
حمید تقوایی
درباره شعار

ورود برای عموم آزاد است

ما همه با هم هستیم

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

رفع تبعیض، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اجرای همسان سازی حق مسلم ماست"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "یک اختلاس کم بشه، حقوق ما حل میشه"، دستهای ما خالیه، وضع شما عالیه"، "اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی"، "قالیباف حیا کن،

معلمان بازنشسته و شاغل، کارگران و کارکنان مخابرات روستایی نیز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تبعیض در پرداخت ها بین کارکنان در تهران و مناطق روستایی تجمع داشتند.

شعارهای اعتراضی معلمان در این روز عبارت بودند از: "مسئول بی کفایت استعفا، استعفا"، "معلم بپا خیز، برای

البرز در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. بعلاوه بنابر گزارشات تا کنونی معلمان در شهرهایی چون قزوین، همدان، سنندج، قروه، زنجان، اردبیل، قم، ساری، شیراز، شهرکرد، کرمانشاه، لاهیجان، اهواز، ایلام و اصفهان تجمع کرده و بر خواستههای خود پافشاری نموده اند.

در این روز همزمان با تجمع

دست به تجمع زدند. معلمان تهران و استان البرز در این روز مقابل مجلس اسلامی و شهرستانها مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز از این فراخوان اعلام حمایت کرده و همه معلمان شاغل و بازنشسته را به شرکت در این تجمعات فراخوان داده بود. در این روز بسیاری از معلمان تهران و

۷ دی: معلمان بازنشسته در تهران و شهرستانها تجمع و اعتراض کردند

ساعت ده صبح امروز هفتم دی ماه شمار زیادی از معلمان بازنشسته برای پیگیری مطالبات خود و با خواست اجرایی شدن همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۰

مجلس را رها کن"، "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، " وعده زیاد شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، و " گرانی، تورم، بلای جان مردم".

بازنشستگان طی قطعنامه ای به مناسبت تجمعات خود در این روز اعتراض خود را به سیاست های دولت و مجلس در باره وضعیت خود اعلام داشته و بر روی خواسته های فوری شان تاکید کردند. از جمله در این قطعنامه معلمان بازنشسته ضمن اعتراض به تبلیغات حکومتی مبنی بر اینکه افزایش حقوق بازنشستگان و معلمان تورم زا است، حمایت خود را از افزایش حقوق تمام اقشار اجتماعی و کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر اعلام کردند.

در پایان معلمان در قطعنامه خود با تاکید بر اتحاد بین معلمان بازنشسته و شاغل و نداشتن هیچگونه جانبداری از جناح ها بر این تاکید کردند و اولتیماتوم دادند که اگر مطالبات آنها پاسخ نگیرد ادامه اعتراضات را حق مسلم خود میدانند. بازنشستگان در تجمعات اعتراضی خود بارها

بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و اختلاس ها و دزدی ها تاکید کرده اند.

قطعنامه معلمان بازنشسته صدای اعتراض همه بازنشستگان است و همه بازنشستگان کشوری، لشگری و تامین اجتماعی را مورد خطاب قرار داده است. معلمان امروز صدای اعتراض همه مردم هستند و باید وسیعا از خواسته ها و مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کرد.

تجمع اعتراضی کارگران سبلان پارچه، بازنشستگان فولاد دامغان و تامین اجتماعی اهواز

- صبح روز دوشنبه ۶ دیماه کارگران سبلان پارچه در اعتراض به اخراج و بحرانی شدن وضع تولید و خطر اخراج بیشتر و نداشتن امنیت شغلی برای سومین روز متوالی در سالن تولید این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- روز پنجم دیماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین

اجتماعی اهواز در ادامه یکشنبه های اعتراضی خود پیگیری مطالبات دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. این کارگران با شعار "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" بر ادامه اعتراض خود پافشاری کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی در فراخوانهای خود بر مطالبات فوری ای چون اجرای صحیح ماده ۹۶ و ۱۱۱ تأمین اجتماعی یعنی افزایش مستمری ها طبق تورم موجود، رفع تبعیض بین بازنشستگان تأمین اجتماعی با بازنشستگان لشگری و کشوری، پرداخت بدهی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، انجام همسان سازی سال ۱۴۰۰ و تصویب همسان سازی دائمی، بیمه رایگان و کارآمد و لغو بیمه تکمیلی تاکید کردند.

اجرای کامل همسان سازی و افزایش پرداختی ها به بالای خط فقر، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و بازگرداندن پولهای دزدی شده به صندوق بازنشستگی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته که در تجمعات اعتراضی برای همین مطالبات دستگیر و به شش سال

حبس محکوم شده، از جمله خواسته های است که آنها بارها در تجمعات خود فریاد زده اند.

در همین روز جمعی از بازنشستگان فولاد در دامغان نیز با تجمع در مقابل صندوق بازنشستگی این شهر پیگیر مطالبات خود شدند و همانطور که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم همزمان بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان و اهواز نیز تجمع داشتند و این تجمعات هر یکشنبه برگزار میشود.

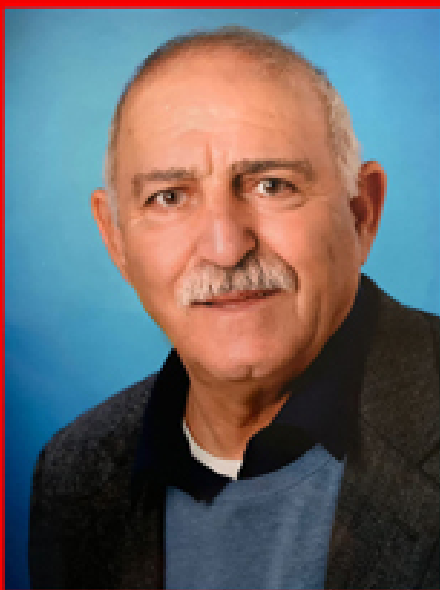
یکشنبه اعتراض: تجمعات بازنشستگان فولاد در اهواز و اصفهان و مخابرات تهران

روز پنجم دیماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان و فولاد اهواز در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود ادامه یکشنبه های اعتراض خود مقابل ساختمان این صندوق در این دو شهر تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان فولاد با فریاد شعارهایشان مطالبات خود را طلب میکردند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی و

بازگرداندن متوسط ۲ میلیون تومان کسر شده در اجرای همسان سازی بازنشستگان فولاد، درمان بر اساس آیین نامه فولاد و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدای فولاد از جمله خواسته های فوری اعلام شده بازنشستگان فولاد است. درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از دیگر مطالبات مهم همه بازنشستگان است که بارها در تجمعاتشان بر آنها تاکید کرده اند.

در همین روز بازنشستگان مخابرات نیز در اعتراض به پرداخت نشدن حق و حقوق خود و مطالباتشان بر اساس آیین نامه مصوب هیئت مدیره شرکت، دست به تجمع زده و برای پیگیری مطالبات خود در برابر وزارت ارتباطات تجمع داشتند. تجمع قبلی آنها در همین رابطه در روز ۲۳ آذر برگزار شد. بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" اعتراض آنها به وضع بد معیشتی شان است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۶ آذر ۱۴۰۰، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱



پنجشنبه ۶ ژانویه ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی (۱۶ دیماه ساعت ۹ و نیم شب به وقت ایران)

حزب کمونیست کارگری ایران

مراسم بزرگداشت ایرج فرجاد

ایرج فرجاد کادر محبوب و با سابقه حزب کمونیست کارگری، روز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱ (۷ دیماه ۱۴۰۰) بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در گذشت. او نماد بارزی از صداقت، صمیمیت، فداکاری و انسانیت بود.

مراسم بزرگداشت این کمونیست برجسته و سرشناس با حضور خانواده او بصورت آنلاین برگزار میشود. این برنامه همزمان در تلویزیون کانال جدید و پلتفرم های مدیای اجتماعی بخش میشود. علاقمندان را به شرکت در این مراسم دعوت میکنیم.